



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

عامل و متن قوانین - تصویب نامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بهشت نامه ها - آنگهبان رسمی و قانونی سؤالات

سال ششم

۱ شنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۲۹

شماره ۱۶۶۴

شماره مسلسل ۷۵

دوره شانزدهم قانونگزاری

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۷۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه نهم آبان ماه ۱۳۲۹
فهرست مطالب :

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بقیه سؤال آقایان دکتر بقائی، مکی از آقای وزیر جنگ و جواب آن
- ۳- بیانات آقای دکتر مصدق
- ۴- طرح گزارش کمیسیون دادگستری راجع بقانون تصفیه کارمندان دولت
- ۵- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

* * *

مجلس ساعت دو و ده دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - اسامی فائین جلسه پیش قرائت میشود
(شرح زیر قرائت شد)

فائین با اجازه - آقایان، شکرانی - بزرك نیا
مرتضی حکمت - قهرمان - آصف - رفیع - مجتهدی
افشار - امیر قاسم فولادوند - سلطان العلماء - طباطبائی -
سلطانی - دکتر شایگان - بهادری
فائین بی اجازه آقایان - دکتر مصباح زاده -
قبادیان - صفوی - مکرّم - زنگنه - خسروشاهی - سالار
سنندجی - امینی - تولیت - حسن اکبر - نیبورتاش
ابتهاج - اقبال - پناهی - عماد تربتی - محسن ماهری
پیراسته - افشار صادقی - محمد ذوالفقاری - کاظم شبانی
محمود محمودی

دیر آمدگان با اجازه آقای نفع الاسلامی یک ساعت
دیر آمده بی اجازه - آقایان، هرانی ۴۵ دقیقه

محمد علی مسعودی ۴۵ دقیقه - ابریشمکار ۴۵ دقیقه
ارباب مهدی ۳۰ دقیقه - موفر ۴۵ دقیقه - فرامرزی ۳۰
دقیقه - برومند ۳۰ دقیقه

رئیس - نسبت بصورت مجلس جلسه پیش
نظری نیست؟ آقای مکی
مکی - بیانات بنده یک اصلاحاتی دارد که اصلاح
میکند میبدم بتدوین
رئیس - بدعید با آقای معزنی اصلاح میکنند
آقای شوشتری

شوشتری - در قسمت عبارات همانطور که
فرمودید اصلاح میکنم تقدیم میکنم ولی در نطق بنده
راجع به آن قسمت مربوط باراضی و همینطور قسمت
بعد معلوم شد که فوق العاده مورد توجه فرار گرفته
دیروز در کمیسیون بودجه جناب آقای دکتر معزنی
اصلاح کردند و امروز عصر نیز آنرا تنظیم میکنند و

بعد هم فهمیدم بجناب آقای رفیع و سایر نمایندگان
محترم شال هم تلگراف رسیده از اینجهت چون تأمین
منظور من شده تشکر میکنم (احسن)
رئیس - آقای صدرزاده

صدرزاده - نسبت به بیاناتی که بنده در جلسه
قبل کردم بعضی کلمات اینجا اشتباهی بطبع رسیده از
جمله گفته شده است مقایسه در اینجا مفاسد نوشته شده
است و در جای دیگر تخصصی نوشته شده است در
صورتیکه مخصوص عرض کردم در جای دیگر هم عرض
کرده بودم این منطق جناب عالی مورد قبول است مورد
قبول نیست نوشته شده

رئیس - اصلاح میشود آقای کهید
کهید - در عرایض پریروز بنده مختصر اصلاحاتی
لازم است که منویسم تقدیم میکنم و از جمله بنده عرض
کردم ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان ۴ میلیون و ۷۰۰
هزار ریال نوشته شده است

رئیس - اصلاح میشود آقای نورالدین امامی
نورالدین امامی - عرض کنم که تذکرانی
که نسبت باصلاح صورت جلسه داده میشود باید در خود
مجلس باشد اینکه بنده یا بشوم تذکر بدهم که يك
تعریفاتی در عرایض بنده شده و بعد هم اصلاح بکنم
بدهم این برخلاف است امروز هم عرض کردم این
نمیشود ممکن است بنده بشت این تریبون يك عرایضی
بکنم و بعد بشیمان بشوم و بعد اصلاح بکنم اینرا باید
آقایان توجه بفرمایند این برای چند کسله عرایض
بنده نیست این برای آنچه سابقه میماند ممکن است
فردا يك قانونی را تعریف بکنند بکانونی را تغییر
شکل بدهند يك کلامه اش که تأثیر در امور مملکت دارد
آنها عرض کنند در صورتیکه اول يك شکل دیگر
باشد این است که تقاضا دارم این بدعت را در
مجلس شورای ملی نگذارند توجه بشود از طرف
هیئت رئیسه که این صورت مجلس درست بیاید حالا
در دنیا در هر ۲۴ ساعتی يك تحولاتی ایجاد میکنند
ما صورت مجلس خودمان را نتوانیم اصلاح بکنیم
اصلا برای چه اینجا بشنیم

شوشتری - عبارات را بدو اشتباه چاپ

رئیس - البته دستگاه ضبط صوت هست و با آن مطبق می شود این اصلاح عبارتی است و الا دراصل موضوع خود تند نویسی مواظبت دارد (صحیح است) آقای نبوی

نبوی - همانطور که اغلب آقایان نمایندگان محترم تذکر می دهند که تئوری در بیان نشان داده شده البته این صحیح است بلکه رویه ای تند نویسی ایجاد کرده بود چند روزی اگر مقام ریاست امر بفرمایند همان رویه تعقیب شود هم از تعقیب وقت جلوگیری می شود و هم این اشتباهات تصحیح می شود آن رویه این بود که صورت جلسه را ماشین می کردند و بعد بین همه آقایان توزیع می کردند و آنوقت آقایان اگر اشکالی در بیان نشان میدیدند بدون اینکه در اینجا بپندارند تذکر بدهند و بدون اینکه اجازه بخواهند و در اینجا صحبتی بکنند که باین ترتیب یک مدت زیادی وقت مجلس گرفته می شود و به بحث در این موضوع بر گزار می شود آقایان این صورت مجلس را که با ما همین تهیه شده می خوانند و اگر نظری دارند خودشان اصلاح می کنند و بتند نویسی میدهند و بعد صورت مجلس که چاپ می شود دیگر این اشکالات را نخواهد داشت این رویه فقط چند جلسه ادامه داشت و بعد تعطیل شد بنظر بنده ریاست محترم دستور بدهند این رویه ادامه پیدا کند که از جهت در مجلس هم جلوگیری شود

رئیس - بطوریکه توضیح میدهند از اداره تند نویسی این هم نسخه اول است نسخه اصلی نیست اصلاحات که بعمل آمد بعداً باز چاپ میشود (صحیح است) البته آن ترتیب هم تعقیب خواهد شد آقای رضوی

رضوی - عرض بنده این بود که آقای امامی فرمودند بنده از چند جلسه با اینطرف متوجه شدم باینکه در اول هر جلسه بمجرد اینکه راجع بجلسه سابق سؤال میشود یک عده از آقایان که صحبت کرده بودند بر می خیزند و یک مقدار تذکراتی راجع بنگاتی که تعریف شده تذکر میدهند که اصلاح بشود اصلاح میشود یا نمی شود اما در این موضوع بقیه بنده مادامیکه کیفیت تند نویسی اینطور است باین صورت است نه گناهی بر آقایان تند نویسان است و نه این وضعیت تغییری پیدا می کند برای خاطر اینکه شخصی که آمده وقتی که دارد حرف میزند خودش البته می داند چه گفته است ولی نکته ای را ممکن است آقایان بد بشوند یا نکته ای را که گفته شد هوشی بشوند خوب بالاخره گوش است و شخص ممکن است اشتباه بشوند بنابراین مادام که تبدیل بیک صورت ماشینی نشود که اصلاً از این کیفیت انحراف پیدا نکنند و درست آنچه که از دهان بیرون می آید منسک بشود روی کاغذ همین آتش است و همین کاسه و راه دیگر ندارد بنده برای اینکه این کیفیت نا مطلوب در اول جلسات تکرار نشود می خواهم تقاضا کنم که مقام ریاست هیئت رئیسه هر چه زودتر اجازه بفرمایند ترتیب پدید می دهد که این قسمت از مقدمه جلسات ما منع شود

رئیس - دیگر نظری نیست؟ آقای ممدی
ممدی - بنده تصور می کنم آقای رئیس
رئیس - وقت رئیس باید

مورد توجه بیشتر قرار بدهند و یک جلسه خاصی تشکیل بدهند و یک تصمیمی بگیرند برای اینکه این صحبت هائی که در این مجلس میشود برای خودمان و برای جلسه خاصی که نمی کنیم اینرا برای چه صحبت میکنیم یکی برای استحضار ملت ایران و یکی باقی مانده در صورت مجلس برای آیندگان که مستند آن قانون است که اگر یک روزی بخواهند تفسیری بکنند چنین اظهاراتی که شده روی همینها بتوانند مجلس ما یا بعد تفسیر بکنند برای ملت ایران ولی حالا همینطور شده که مغیر روزنامه اطلاعات و کیهان اینجا یک چیزی مینویسند و جراید فردا صبح هم از روی این دو روزنامه که عصر روز قبل منتشر شده خلاصه ای چاپ میکنند بنده بطور قطع می بینم که آنها تمام نطق نمایندگان ذکر نمی شود بلکه مفاد آنها غالباً عوض می شود یعنی چیزی هم بگوش ملت ایران میرسد که نمایندگان در اینجا او را عنوان نکرده اند همین است که روزنامهها نوشته اند این چیزی که باقی میماند آن چیز هم درست ما است و ملاحظه بفرمایند که بصورت زهت و ناپسندی در آمده و بقول آقای امامی این بسیار ناپسند است که ما نتوانیم بصورت مجلس خودمان را درست تنظیم بکنیم من از مقام ریاست تمنی میکنم که این موضوع را مورد توجه قرار دهند و حتی ممکن است یکی دوسه تا از نمایندگان را دخالت بدهیم در این کار تا موجهات این کار را فراهم کنند ببینند آیا اعضای تند نویسی کم هستند یا وسایل در دستشان نیست و با ابرادات دیگری هست که مرتفع بشود که مانع او با این رویه نشویم

رئیس - پس از نصب این دستگاه همین نطق نمایندگان ضبط میشود و هیچ تغییری در اصل داده نمیشود آقایان باید توجه کنند که خلاق گفته نشود باز دستور دادم هر جلسه تطبیق کنند اگر هم اشتباهی کنند اگر هم اشتباهی شد باز هم تطبیق کنند غیر از این عملی نخواهد شد حالا فقط این نیست که تند نویسی بنویسد این با دستگاه ضبط میشود و همان هم بعد منتقل میشود بصورت مجلس و بعد هم من مکرر گفته ام مدرک صورت جلساتی است که طبع میشود روزنامهجات را که نمی شود کنترل کرد که خلاف ننویسند مگر اینکه روزنامه مجلس دایر بشود که من خود طرفدار این موضوع هستم هرگز نامه مجلس همیشه طبع و منتشر بشود و مصداق است مردم برسد حالا در این موضوع هم هیئت رئیسه وارد مذاکره شده دیگر نظری نیست (گفته شد خیر) صورت مجلس جلسه پیش تصویب شد

رئیس - در جلسه قبل سؤال آقای دکتر بقائی مطرح بود که مجلس از اکثریت افتاد حالا اجازه بفرمایند که وارد دستور بشویم
اسلامی - نطق قبل از دستور چه میشود آقای رئیس بنده چهار بعد از نصف شب آمده ام جاهی هم نخوردم
رئیس - حالا دو ساعت بیشتر بظهور نداریم اجازه بدهید در آخر جلسه اینکار بشود و آقایان هم در آمدن بجا بگذارید تا بعد می کنند ساعت ۹ بنده می خواهم جلسه تشکیل بشود باید آقایان در ساعت

مورد توجه بیشتر قرار بدهند و یک جلسه خاصی تشکیل بدهند و یک تصمیمی بگیرند برای اینکه این صحبت هائی که در این مجلس میشود برای خودمان و برای جلسه خاصی که نمی کنیم اینرا برای چه صحبت میکنیم یکی برای استحضار ملت ایران و یکی باقی مانده در صورت مجلس برای آیندگان که مستند آن قانون است که اگر یک روزی بخواهند تفسیری بکنند چنین اظهاراتی که شده روی همینها بتوانند مجلس ما یا بعد تفسیر بکنند برای ملت ایران ولی حالا همینطور شده که مغیر روزنامه اطلاعات و کیهان اینجا یک چیزی مینویسند و جراید فردا صبح هم از روی این دو روزنامه که عصر روز قبل منتشر شده خلاصه ای چاپ میکنند بنده بطور قطع می بینم که آنها تمام نطق نمایندگان ذکر نمی شود بلکه مفاد آنها غالباً عوض می شود یعنی چیزی هم بگوش ملت ایران میرسد که نمایندگان در اینجا او را عنوان نکرده اند همین است که روزنامهها نوشته اند این چیزی که باقی میماند آن چیز هم درست ما است و ملاحظه بفرمایند که بصورت زهت و ناپسندی در آمده و بقول آقای امامی این بسیار ناپسند است که ما نتوانیم بصورت مجلس خودمان را درست تنظیم بکنیم من از مقام ریاست تمنی میکنم که این موضوع را مورد توجه قرار دهند و حتی ممکن است یکی دوسه تا از نمایندگان را دخالت بدهیم در این کار تا موجهات این کار را فراهم کنند ببینند آیا اعضای تند نویسی کم هستند یا وسایل در دستشان نیست و با ابرادات دیگری هست که مرتفع بشود که مانع او با این رویه نشویم

مرد حاضر بشوند فرق نیست که الان باید تا ساعت یک بعد از ظهر جلسه باشد ساعت حد اقل جلسه است الان ساعت ده است مجبورید تا ساعت یک بعد از ظهر باغی چون ۲ ساعت کمتر نخواهد بود
اسلامی - حالا بفرمایند محفوظ است؟
رئیس - انشاء الله آخر جلسه آقای دکتر بقائی

دکتر بقائی - در جلسه گذشته عرض کردم حضور آقایان که در این ملک اقتدار اصلاح قانون صورت میگیرد از طرف دستگاه های دولتی که انسان حقیقه متعجب میدانند که کدام قسمتش را بگوید و چه نتیجه بگیرد ولی این موضوعی که مطرح کردیم یعنی این عمل خلاف قانونی که نسبت به زار نفر افسران وظیفه صورت گرفته یک موضوعی است که انصافاً و حقیقه برای هیچ فرد باوجدانی قابل تحمل نیست من از آقایان محترم خواهش میکنم در نظر بگیرند که از این هزار نفر افسر احتیاط شاید حد اکثر صد یا صد و پنجاه نفرشان باشند که زندگی و معاش خود و خانواده شان تأمین باشد و بقیه اشخاصی هستند که باید سکار بکنند و معاش خانواده شان را اداره بکنند آقایان شما خودتان از افراد این ملک هستید خوبخانه اکثریت آقایان همه متنگ و متول هستند ولی بالاخره باید زیر دست های خودتان را نگاه بکنید (یکی از نمایندگان) اینطور نیست ما هم چیزی نداریم (چهارم) بطور نیست آقایان هستند صد تا اتومبیل سیستم ۵۰ هر روز جلوی در بهارستان ایستاده این علامتش است خیلی خوب اگر هم نیستند باید بیشتر توجه کنید که خانواده ای زحمت کشیده خرج کرده بدبختی کشیده یک بچه ای را بدرجه دیپلم یا لیسانس یا دکتر رسانیده (نورالدین امامی - مثل شما) بعد آنها رفته اند حاضر شده اند که خدمت نظام وظیفه شان را انجام بدهند زفته اند پول خرج کنند رشوه بدهند و معافی بگیرند چون راجع باین موضوع اگر جناب آقای وزیر جنک به خواهند انکار بکنند بنده از موقعیکه خودم نظام وظیفه بودم مجبورم بیایم اینجا و توضیحاتی بدهم حالا این جوانان حاضر شده اند که وظیفه مقدس خودشان را انجام بدهند برای اینکه بعداً بتوانند وارد زندگی بشوند و این خانواده ای که آنها را مدت ۲۱ سال یا بیست و چند سال اداره کرده بتوانند در هوش او را اداره کنند یک بخشنامه ای رئیس ستاد کیفیت میکند صادر می کند که آنها شش ماه خدمت اضافه بکنند رئیس ستاد قبلی را می گویم رئیس ستاد او را شش ماه بعد تغییر عنوان داد و بالباس مبلغ ست زمامداری این ملک را گرفت که اینها ۶ ماه اضافه خدمت کنند و هیچکس نیست بیرسد که این مواد قانونی که صراحت دارد سه تا بیش را بنده در جلسه قبل عرض آقایان رسانیدم که در سه موقع مختلف بصوبه مجلس شورای ملی رسیده صراحت دارد که خدمت افسران احتیاط یکسال است که شش ماه از آن در دانشگاه افسری و هشت ماه بقیه در صفاست باز برای اینکه آقایان خاطرشان تازه بشود عرض میکنم ماده ۸۰ میگوید کسانی که دوره تحصیلات آنان معادل لیسانس یا دکتر باشد بطور کلی دو دوره خدمت در اختیار خواهد بود که پس از آن دوره

دکتر بقائی - چرا آقایان؟ نتیجه نشان میدهد این دیگر موضوع توده بازی نیست که دولت پیراهن عثمان کند و بعضی از نمایندگان اکثریت را بترساند شما را بخدا هر طور هست این عده افسران وظیفه را که خدمتشان را طبق قانون انجام داده اند نجات دهید بنده می خواهم این استدعا را از آقایان بکنم و در مقابل این مواد صریح قانون که بنده خدمت آقایان عرض کردم خواهش میکنم استدعا میکنم آقایان توجه بفرمایند که جناب آقای وزیر فرهنگ چه جواب ست و بی پایه و بی منطق خدمت آقایان عرض خواهند کرد البته خود بنده یقین دارم جواب ندارد (یکی از نمایندگان) آقای وزیر جنک نه آقای وزیر فرهنگ) به بخشید آقای وزیر جنک من چون در خدمت بودم که آقای وزیر فرهنگ راجع باین هشتاد درصد اضافه آموزش کاران اقدامی فرمودند باین جهت اشتباه شد عرض کردم آقای وزیر فرهنگ در ارتش متأسفانه یک قسمت از کارها روی تقیید صرف صورت میگیرد که همانطوریکه عرض کردم هیچکس جرأت نمیکند حرفی بگوید برای اینکه فوراً میگویند آقایان این مخالف ارتش است این هرج و مرج طلب است این طرفدار ازمرا شدند بنابراین اکنون ۲۲۵۰ نفر افسر وظیفه مشغول خدمت هستند که باید هزار نفرشان مرخص شده باشند از وضع زندگی و در بدی خانواده و مسکن این بنده چه بگویم که ندانید با اینکه ۱۲۵۰ نفر بعدی خدمت یکساله شان در فروردین ماه ۱۳۳۰ منقضی میشود ولی این عده هم نکرانند که ممکن است اینها راهم در انقضای خدمت مرخص نکنند الی آخر این جمله آخرش را میخوانم که یک حسابی کرده مرد

بر آید هفتاد و نه ماه باقی بماند درصفت خدمت خواهند کرد تمبر ماده ۷۶ که متن قانون یکصد و پنجاه میلیون ریال اعتبار برای کمک هزینه ارتش مصوب آبان ۱۳۲۳ بصوبه مجلس رسیده صریح دارد مدت خدمت مشمولین دیپلمه مانند لیسانس و کترا یکسال خواهد بود که شش ماه در دانشگاه و هشت ماه در صفا خدمت خواهند کرد و بنده از ماده واحده ۱۲ آبان ۱۳۲۴ که باز در آن هم تصریح دارد پس از طی دوره شش ماهه دانشگاه احتیاط شش ماه بقیه خدمت را در صفا انجام می دهند یعنی سه دهم مجلس شورای ملی تصویب کرده و تصریح کرده و جای تفسیری باقی نگذاشته است در اینکه خدمت اینها باید یکسال باشد شش ماه در دانشگاه و شش ماه در صفا البته از آنجاییکه تمام کارهای مازوی تقلید و سنجد و تفهیم است نمی دانم روی چه اصلی یک روزی رئیس ستاد وقت میشل کشیده اینها شش ماه بیشتر خدمت کنند برداشته بخشنامه کرده که اینها بجای اینکه در مهر ۲۹ مرخص بشوند تا آخر اسفند ۲۹ باید خدمت بکنند هیچکس هم متعرض این موضوع نشده که این چه حق داشته بعداً که آمده اند و دیده اند که یک عمل خلاف قانونی شده البته خیلی معذرت می خواهم از تیسار وزیر جنک که اسباب زحمت ایشان و دستگاه ایشان را فراهم کرده اند و گفته اند و گفته اند و یک ماده شش پیدا کرده اند که در ماده شش گفته شده در صورتیکه لازم باشد حالا این جواب آقای وزیر جنک را بنده نمی خواهم قبلاً بگویم بعداً کفرمودند جوابشان را آنوقت بنده می آیم توضیح میدهم و هیچکس هم نیست بگوید که چرا در شش ماهه است ما قبل آقای رزم آرا رئیس ستاد وقت آقایان خواهش میکنم ترتیب سرنوشت هزار نفر جوانان این ملک در این آقای وزیر فرهنگ هم اش می آیند داد میزنند مادیر نداریم ما آموزگار نداریم اکثریت این جوانان آموزگار و دبیر هستند و به هیچ جای دنیا هم نمیتوانند که اگر آقایان احترام کنند که راجع باین قسمت اشتباه شده و آنها را مرخصشان کنند راجع باین قسمت نامه های متعددی بنده رسیده یک نامه ای است که از دبیر یکی از این افسران وظیفه که نامه اش خیلی تأثر آور است ولی بنده هم اش را نمی خواهم بخوانم دو جلسه اش را میخوانم یکی اینکه بنویسد بطوریکه استحضار دارید هزار نفر جوانان تحصیل کرده اول شهریور ۱۳۲۸ وارد دانشگاه افسری شده اند خدمت یکساله اینها طبق قوانین بعد از یکسال تمام است اول شهریور ماه ۱۳۲۹ تمام شده معذراً هیچکس را مرخص نکرده اند علاوه در فروردین ۱۳۲۹ ماه ۱۲۵۰ نفر بدانشگاه وارد و در اول مهرماه ۱۳۲۹ افسر شده بسر بازخانه ها ازمرا شدند بنابراین اکنون ۲۲۵۰ نفر افسر وظیفه مشغول خدمت هستند که باید هزار نفرشان مرخص شده باشند از وضع زندگی و در بدی خانواده و مسکن این بنده چه بگویم که ندانید با اینکه ۱۲۵۰ نفر بعدی خدمت یکساله شان در فروردین ماه ۱۳۳۰ منقضی میشود ولی این عده هم نکرانند که ممکن است اینها راهم در انقضای خدمت مرخص نکنند الی آخر این جمله آخرش را میخوانم که یک حسابی کرده مرد

بهاره که هفتاد و نه ماه باقی بماند درصفت خدمت خواهند کرد تمبر ماده ۷۶ که متن قانون یکصد و پنجاه میلیون ریال اعتبار برای کمک هزینه ارتش مصوب آبان ۱۳۲۳ بصوبه مجلس رسیده صریح دارد مدت خدمت مشمولین دیپلمه مانند لیسانس و کترا یکسال خواهد بود که شش ماه در دانشگاه و هشت ماه در صفا خدمت خواهند کرد و بنده از ماده واحده ۱۲ آبان ۱۳۲۴ که باز در آن هم تصریح دارد پس از طی دوره شش ماهه دانشگاه احتیاط شش ماه بقیه خدمت را در صفا انجام می دهند یعنی سه دهم مجلس شورای ملی تصویب کرده و تصریح کرده و جای تفسیری باقی نگذاشته است در اینکه خدمت اینها باید یکسال باشد شش ماه در دانشگاه و شش ماه در صفا البته از آنجاییکه تمام کارهای مازوی تقلید و سنجد و تفهیم است نمی دانم روی چه اصلی یک روزی رئیس ستاد وقت میشل کشیده اینها شش ماه بیشتر خدمت کنند برداشته بخشنامه کرده که اینها بجای اینکه در مهر ۲۹ مرخص بشوند تا آخر اسفند ۲۹ باید خدمت بکنند هیچکس هم متعرض این موضوع نشده که این چه حق داشته بعداً که آمده اند و دیده اند که یک عمل خلاف قانونی شده البته خیلی معذرت می خواهم از تیسار وزیر جنک که اسباب زحمت ایشان و دستگاه ایشان را فراهم کرده اند و گفته اند و گفته اند و یک ماده شش پیدا کرده اند که در ماده شش گفته شده در صورتیکه لازم باشد حالا این جواب آقای وزیر جنک را بنده نمی خواهم قبلاً بگویم بعداً کفرمودند جوابشان را آنوقت بنده می آیم توضیح میدهم و هیچکس هم نیست بگوید که چرا در شش ماهه است ما قبل آقای رزم آرا رئیس ستاد وقت آقایان خواهش میکنم ترتیب سرنوشت هزار نفر جوانان این ملک در این آقای وزیر فرهنگ هم اش می آیند داد میزنند مادیر نداریم ما آموزگار نداریم اکثریت این جوانان آموزگار و دبیر هستند و به هیچ جای دنیا هم نمیتوانند که اگر آقایان احترام کنند که راجع باین قسمت اشتباه شده و آنها را مرخصشان کنند راجع باین قسمت نامه های متعددی بنده رسیده یک نامه ای است که از دبیر یکی از این افسران وظیفه که نامه اش خیلی تأثر آور است ولی بنده هم اش را نمی خواهم بخوانم دو جلسه اش را میخوانم یکی اینکه بنویسد بطوریکه استحضار دارید هزار نفر جوانان تحصیل کرده اول شهریور ۱۳۲۸ وارد دانشگاه افسری شده اند خدمت یکساله اینها طبق قوانین بعد از یکسال تمام است اول شهریور ماه ۱۳۲۹ تمام شده معذراً هیچکس را مرخص نکرده اند علاوه در فروردین ۱۳۲۹ ماه ۱۲۵۰ نفر بدانشگاه وارد و در اول مهرماه ۱۳۲۹ افسر شده بسر بازخانه ها ازمرا شدند بنابراین اکنون ۲۲۵۰ نفر افسر وظیفه مشغول خدمت هستند که باید هزار نفرشان مرخص شده باشند از وضع زندگی و در بدی خانواده و مسکن این بنده چه بگویم که ندانید با اینکه ۱۲۵۰ نفر بعدی خدمت یکساله شان در فروردین ماه ۱۳۳۰ منقضی میشود ولی این عده هم نکرانند که ممکن است اینها راهم در انقضای خدمت مرخص نکنند الی آخر این جمله آخرش را میخوانم که یک حسابی کرده مرد

افسری خدمت آقایان عرض کردم گذر دستم بر چند تا بیش را بر ابرام فرستاده اند
رئیس - آقای دکتر بقائی وقت شما تمام شد
دکتر بقائی - از نوبت آقای مکی استفاده میکنم
مکی - چند دقیقه از نوبت من میتوانم صحبت بکنم
رئیس - بفرمایند
دکتر بقائی - در مورد این سوالات البته خود دانشکده افسری این ابتکار را نکرده تمام ابتکاراتی که در ارتش مشاهده در این پنج ساله اخیر ابتکارات تیسار رزم آرا رئیس ستاد وقت بوده و تمام اینها بخشنامه شده با مضای ایشان حاضر و موجود است برای اینکه ایشان اصلاً از بخشنامه خیلی خوششان می آید روزی نیست که پنج تا شش تا بخشنامه صادر نشود و فردا هم چهار شش تا بخشنامه است سؤال دهم نام و شغل و محل سکونت پدر در صورت حیات یا قبل از فوت چه شغلی داشته است باز کر سوابق و جزئیات نام و شغل مادر و هم و ودائی باز کر جزئیات نام و نشانی رفقای صمیمی نظامی و غیر نظامی باز کر سوابق بعداً خواهر و برادر و جزئیاتش قبلاً کجا هستند چهار می کنند آیا سوابق در دانشکده یا شهر بانی دارد یا خیر یعنی پدر دانشجو بچه روزنامه نوی هلاقتمند است اسم از داخلی یا خارجی و چه روزنامه هائی را میغرد یا بونه است سؤال ۱۹ دانشجو در انتخابات اخیر بچه اشخاصی رأی داده است سؤال ۲۰ آیا از مرانامه احزاب اطلاعاتی دارد یا خیر باز کر جزئیات چه کتابهای فلسفی مربوط به احزاب را مطالعه نموده است و چه نتیجه گرفته است آیا قبل از ورود به ارتش داخل هر چه حزب و جمعیت و فرقه ای ام از سیاسی یا غیر سیاسی بوده است یا خیر؟ آیا شما در انتخابات اخیر مجلسین شرکت نموده اید این را اسمال اینطور کرده اند که مجلس سنا هم درست شده سؤال بعداً اگر شرکت کرده اید بچه کسانی رأی داده اید نام آنها را بنویسید عرض کنم حالا این یک چیزی هست که در همه جای دنیا معمول است و آقای وزیر جنک خواهند آمد و خواهند گفت که در همه جای دنیا این سوالات را میکنند بنده هم میدانم ولی دو تفاوت دارند باما یکی اینکه این سوالات از روی شعور تنظیم میشد یعنی در سؤالی که از طرف یک مقام رسمی ابلاغ شده رسماً یک عمل خلاف قانون نیست در ارتش هزار نفری که در دانشکده افسری بیرون خدمت نظام وظیفه شان را انجام میدهند سصد چهار صد نفرشان لیسانس حقوق هستند دارای مطالعات هستند وارد درجریانات هستند قانون میداند چیست اینها میخوانند برایش آن کسی که این سؤال را میکند که شما در انتخابات بچه اشخاصی رأی دادید گفتم این سوالات خلاف قانون است گفتم که تفاوت دارد یکی اینکه سؤال از روی شعور تنظیم میشود و یکی این که این سوالات را میکنند روی این مطالعه میکنند آمار تشکیل میدهند هزار تا استفاده میکنند حالا تشریف ببرید به بییند راجع باین سوالاتی که کرده اند جز اینکه یک عده ای را وادارند به دروغگویی چون جز این راهی ندارند این بیچاره ها ملاً یکی از سوالات

که اینها دروغ بنویسند
آزاد - ولی در عرض آقا کسی که انگلیسی
بداند تقویش میکنند

دکتر بقائی - البته انگلیس ها از خودمان
هستند و در صورت بنده مقصود از این سؤال که در
خدمت آقای مکی این سؤال را کردم منظور همان نقطه این
بود که هر قدر ما متوجه این عمل خلاف قانون بکنیم و البته
این را هم بنده عرض کنم که انتظار ندارم که مجلس
تغییر بیارود که هر وقت آقای رزم آرا این عمل
خلاف قانون را ادامه ندهد ولی از خود دولت است و ما
دارم با آن هزار نفر جوان بازی نکنیم مگر
بکنیم که اینها وقتی در خدمت میمانند آقایان یکسال
خدمت نظام وظیفه با وضعیت امروزی که ما میگوییم
طاعت فرما است برای افسانیهاییکه باید خودشان کار
بکنند و زندگی خودشان را تأمین کنند این را در
نظر بگیریم که این هزار نفر وقتی که ششماه بیشتر
مانده شرایط اقتصادی خانواده گشایان خراب شد
وضع زندگی آنها بهم خورد نقشه هائی که داشته از بین
رفت اینها ناراضی میشوند اینها انتکوتل
intellectual این مملکت هستند اینها تحصیل کرده
هستند هر قدر تحصیل کردهای که ناراضی میکنند مثل
این است که هزار نفر رعیت را ناراضی کرده باشد
البته حالا موقع این نیست که ما مردم را ناراضی بکنیم
و این بداند چون بنده این عرض را میکنم خود
خدمت نظام وظیفه را انجام داده ام و از روی بصیرت
کامل عرض میکنم و بقیه دارم که تیسار سر لشکر
هستند هم خودشان متوجه این موضوع هستند که یک
جوانی وقتی از او میپویند در یک روز تعطیل
کشیک بگذرانند چه حالی دارد حالا فکر کنید هزار
نفر جوان را ششماه کشیک میکند اینها میپویند
که اضافه خدمت کنند خدا میداند این وضع مملکت
نیست یک نفری بکنند و ادار کتیب آقای نخست وزیر
را با اگر مربوط به خودتان است یا اگر مربوط
بماهی حضرت است از خودشان است و ما کتیب در صورتی
که ما حضرت در اینکار البته دخالتی نداشته بنده بقیه
دارم که ما حضرت ما بونی هرگز یک امر خلاف
قانونی را تصویب نمیکنند این هزار نفر اگر
هستند تمام شده مرخص کنید و از ۱۲۵۰ نفر دیگر
که دارید از آنها استفاده کنید

آشنایی زاده - دیدی حالا آقای دکتر
بقائی دیدی که جفا کردی
رئیس - آقای مکی پنج دقیقه وقت دارید
مکی - تمامه مکاران محترم با استدلال قانونی
نمانده محترم جناب آقای دکتر بقائی توجه فرمودند
و مواردی را که تغلب سریع از قوانین موضوعه
مملکتی شده است باستحضار مجلس شورای ملی
رسانند و بنده در حقیقت معاف گردان از اینکه
در اثر تغلب قانونی این سؤال مرایش میدوی

خدمت آقایان کرده بطور کلی بطور کلی
مجلس شورای ملی همواره پاسخی مقتضای
قوانینی که خودش وضع کرده اگر روی مصلحت
و مقتضیات هم بطور قوی اجاب کرد که قوانین را زیر
پا بگذرانند مجلس شورای ملی نباید زیر این بار
پرود باید بگوید که طرح جدید بالا بیاورید
دولت بیاورد و در مجلس زشت و زبای آن گفته بشود
بعد آنوقت آن قانون را بوسیله نقض یا بوسیله کان
لیمکن سحر کردن باز بایستی مجلس انجام کار را
بکنند بنده در خارج پر روز با تیسار سر لشکر هدایت
وزیر محترم جنگ که صحبت میکردم ایشان یک بیانی
فرمودند که بنده خیلی بیشتر نگران عدم از ایشان
سؤال کردم مگر ما جنگی داریم فرمودند خیر ایشان
عرض کردم اگر جنگی نداریم که همین یکسال
و دو سال خدمت برای سربازان کافی است ایشان فرمودند
که ما داریم مطالعه میکنیم که خدمت سربازی را بلکه
سه سال بکنیم گفتند عجب مردم آید همی از نوبت
بدم ما تمام مملکت را از این برودیم فوه تواید مملکت
را بعنوان خدمت نظام وظیفه از بین بریدم هر رهیتی
که از ده آمده بشهر دیگر رعیت و کشاورزی برای
ده نشده آمده بشهر و شهر نشین شده و باین ترتیب ما
ملاحظه میکنیم که در سال گذشته مجبور شدیم صد
پنججاه یا صد هزار تن فله از خارج بیاوریم ایران یک
کشوری بود که محصول فله از خارج نمی آوردند
یک مشت زارع و کشاورز را آورده اند برای اینکه
در شهرها غالباً دیده میشود آنها را بیکه مستغنی هستند
و پول میتوانند خرج بکنند ایشان با معاف دائم میشوند
یا هم معافی میکنند با ما می تکفل میکنند هر رهیتی
که هست خدمت نمیکنند خدمت مال آن کشاورز و
آن کارگر بدبخت است مال آقا زاده های این ملت
نیست و اگر هم یک آقا زاده ای بگذرد بروم خدمت
بکنند در دفتر هنک خدمت میکنند دیگر تفنگ بدست
نمیگرد کتیب ندیده مثل یک عضو محترم اداره
با تو میبیل شخصی میبرد و مراجعت میکند ولی آن کتیب
دادن و اینها مال افراد بدبخت این مملکت است و حالا
آمده اند این خدمت را بدون جهت شش ماه زیاد کرده اند
شما وقتی که آمدید و این مدت خدمت را شش ماه زیاد
کردید و یک عده جوان را در این مملکت به منجنیق
گذاشتید اگر یک وقتی پیش آمدی بکنند اینها واقعا
از روی ایمان میروند و فدا کاری میکنند؟ ابداً یکی
از ادبا میگوید

درس ادیب گر بود زمره محبتی
جمعه بکنک آورد طفل گریز برای را
هما دارید کاری میکنید در این مملکت که همه
از مکتب و از نظام وظیفه فراری میشوند خدمت وظیفه
خدمت مقدسی است همه کشورها هم دارند و در بعضی
کشورها به تناسب خودشان دارند ما هم داریم مطابق یک
قانونی است و در اطرافش بحث نمیکنیم که این خدمت خوب است
یا بد است ولی قانونی است گذشته و می گوئیم خدمت
است برای افراد دو سال و برای دیپلمه و لیسانسیه
یک سال شما اینها دارید کتیب میدهند و دارند علاوه
بر مدت نگاه میدارید شما تصور می کنید که این
هدها بیکه علاوه بر مدت میباید خدمت می کنند آیا
واقعا اینها وجودشان مثل لبل مله خواهد بود چون

اینها در نظر آورده اند چون اینها است خدمت
گذاشته اند اینها هم مومنی هم که باشد جبران خواهند
سکرد بنابر این مصلحت از نظر شانه نظامی مصلحت
مملکت ایران مصلحت مجلس شورای ملی ایران
نیست که برخلاف قانون یک دسته ای را نگاهدارد و
نگذارد اینها بروند در خارج کار خودشان را بکنند
متأسفانه هر چه این افراد شکایت کرده اند و شکایت
می کنند بجائی نرسد برای اینکه اگر به مراجع
نظامی شکایت میکنند اینها را میگیرند مؤخره
از ایشان میکنند که شما چه حق داشتید این حرف را
بزنید اگر هم بجای مراجع صلاحیتدار شکایت
بکنند اگر امضاء بکنند باز میگیرند و مجازاتشان
میکنند و اگر هم امضاء نکنند مراجع صلاحیتدار می گویند
چون نامه بدون امضاء است بلا اثر میگذارد با این
ترتیب اینها هیچ جا هم صدایشان نرسد بنده بیشتر
از این وقت مجلس شورای ملی را نمیگیرم و فقط توجه
آقایان را جلب می کنم که هر کاری در مملکت میشود
باید مطابق با قانون باشد و کاری بر خلاف قانون
اگر شده آن کار خلاف است و مجربان آن کار مشمول
مجازات هستند و مجلس هم نایستی اجازه بدهد که در
این مورد تغلب سریع از قانون بشود

رئیس - آقای وزیر جنگ بفرمائید
وزیر جنگ - بطوریکه جناب آقای دکتر
بقائی و جناب آقای مکی سؤالی از وزارت جنگ
فرموده اند مطرح فرموده مواد او را ذکر کردند این
سؤال در موقعیکه بوزارت جنگ رسید وزارت جنگ
آنرا بررسی کرد و در جلسه قبل مجلس شورای ملی
بنده اول وقت به مجلس شورای ملی آمدم و شخصاً هم
آقایان دکتر بقائی و آقای مکی راجع بجوابی که
بخدمتشان عرض خواهم کرد مذاکره کردم و عرض
کردم که چه جوابی عرض خواهم کرد و بنظر بنده
سؤال آقایان بر این است که واقعا بررسی شود که
عمل خلاف قانونی شده است یا نشده است و بنده
اطمینان دارم که توجه دارند که همین نیت هم از طرف
بنده هست و این بنده شخصاً در اینجا شاید کمتر
آقایان نمایندگان هم می دانند و بایستی عرض آقایان
برسانم که بنده نهایت احترام را با قانون دارم (احسنت)
بنده شخصاً معتقد هستم که هیچ جامعه ای هیچ ملتی
هیچ عده ای ممکن نیست جز در سایه قانون زندگی
کند (احسنت) این را عقیده دارم اینرا امروز هم
میگویم و در تمام مراحل زندگی هم گفته ام و واقعا
هم بهش عقیده دارم بنابراین آمدم و جوابی هم که
میدهم خدمت آقایان عرض کردم که من این جواب را
عرض خواهم کرد و امروز هم جوابی را عرض میکنم
و بنده هم مطمئن هستم که خود آقایان هم نیتی
جز این که مطالب روشن بشود ندارند
جناب آقای دکتر بقائی مولی که سؤال را مطرح
فرمودند متکی شدند به وادی از قانون که آنها را
فراغت فرمودند بنده این مواد قانون را دیگر فراموش
نمی کنم ولی همانطور که جناب آقای دکتر بقائی
فرمودند در ماده ۸۰ که مورد استناد ایشان هست
می نویسند که تا یک دوره تحصیل آنها معاف لیسانس
یا دوره دکتری باشد بطور کلی ۱۲ ماه در خدمت
زیر پرچم خواهند بود و این کلاماً صحیح است و بنده
در تجربه های دیگر که اینجا به عرض مجلس شورای
ملی رسیده معلوم کرده است که دیپلمه هم باید مانند

لیسانسه خدمت بکنند و این جزو بیانی است که عمل
کرده است ولی وزارت جنگ بطل احتیاجی که
وجود این افسران دارد و از نظر تکمیل اطلاعات
لنی آنها به عرض آقایان رسیده است و علاوه این
قسمت اول سؤال آقایان است که اصلا چرا ما آنها
را زیادتر نگاه داشته ایم علتش اینست که مسلماً آقایان
اطلاع دارند که فن نظام در سالهای اخیر بعد از جنگ
جهانی دوم بسیار تغییر کرده است و مستلزم اینست که
چه افسران و چه سربازان مدت بیشتری با دلت
فراوانتری اطلاعات بیشتری کسب کنند مسلماً اطلاعاتی
که برای فن نظامی قبل از جنگ جهانی دوم کافی
بود امروز دیگر کافی نیست اگر من اینرا میگویم
شاید از روی بی اطلاعی من نیستم شاید در تمام
فنون ورشته های دیگر زندگی هم همینطور است
ولی بنده در این قسمت اطلاع صحیح ندارم ولی در
ارتش تغییرات حتی حاصل شده است برای اینکه
این یکسال خدمت آقایان از روی برنامه عملی که
میکنند بنظر وزارت جنگ آمد که کافی نیست که آن
استفاده لازم را بکنند بنابر این آنها را ششماه
زیادتر نگاهداشت ولی وزارت جنگ برای نگاهداشتن
آنها در مدت ششماه اضافی متکی با قانون بوده است
این همان جوابی است که بنده روز قبل خدمتتان
عرض کردم و حالا هم عرض میکنم ملاحظه بفرمائید
که در این ماده ۸۰ که خدمت لیسانسیه ها و دکتریها
را چینیست بطور کلی ۱۲ ماه در خدمت زیر پرچم
خواهند بود این خدمت زیر پرچم در ماده ۴ قانون
خدمت نظام وظیفه عمومی معلوم شده یعنی آن ماده
قانونی که اساس خدمت وظیفه را در ارتش ایران
معلوم کرده آن ماده ایست میگوید که خدمت سربازی
مقرر در ماده ۳ دارای تقسیمات ذیل است : دوره
زیر پرچم جز در مواردیکه بموجب همین قانون
مستثنی گردیده است دو سال است پس معین کرده
است که دوره خدمت زیر پرچم در ارتش ایران دو
سال است جز در مواردیکه من گفتم که کمتر باشد
در ماده ۶ همین قانون میگوید در مقابل مدت خدمتی
که متجاوز از مدت مقرر در ماده ۴ بنا بر مقتضیات
و اوامر مخصوص انجام شود دو برابر از ادوار مدت
خدمت کسر میشود پس مقنن روزی که گفت دوره
خدمت زیر پرچم دو سال است جز در مواردیکه من
میگویم کمتر باشد همانوقت هم پیش بینی کرده است
که اگر بنا بر مقتضیات و اوامر مخصوص مدت بیشتری
خدمت کردند باید دو برابر آن مدت که آنها بیشتر
نگه داشته اند از بقیه ادوار خدمتی او کسر کنید
بنابر این عمل وزارت جنگ در نگاهداری ششماه اضافی
متکی به ماده ۶ قانون خدمت نظام وظیفه است اما
در ضمن طرح این سؤال یک مطالبی جناب آقای
دکتر بقائی و جناب آقای مکی فرمودند که بنده بطور
مختصر جوابش را عرض میکنم اشاره فرمودند که
اگر در ادارات وزارت جنگ پرچم می بینیم که
افسران وظیفه بیکار نشسته اند اگر اینطور باشد
بیتناهی متأسف میشود این افسران وظیفه ای که
خدمتشان را در دانشگاه افسری انجام میدهند
بنده اطمینان میدهم و همه آقایان میدانند چون اغلب
افراد آقایان هستند اینها بر طبق وظیفه ای که
یضا میکنند باید کار خودشان را انتخاب میکنند
بطور قطع عده اینها را نمیتوانم عرض کنم که

آماده اینکار نبودم ولی از این ۱۲۰ نفری که در
اول مهرماه امده اند بنده تصور میکنم در حدود
۱۱۰۰ نفر از تهران رفته اند و اینها در تمام مملکت
کشور دارند خدمت میکنند و بنده اطمینان میدهم
آن عده خیلی هم که در تهران مانده اند بیکار نباشند
و بنده باز رسیدگی میکنم اگر واقعا افسر وظیفه ای
در ادارات بیکار باشد بنده ضمن اظهار تأسف منی
میکنم که آنها را بکار وادارند (دکتر بقائی -
مرخصشان بفرمائید ما می خواهیم بکار وادارند)
(غنده نمایندگان) راجع بدانستکه افسری فرمودند
که آنها سؤالاتی میشود این عرض را که خدمتشان
کرده اند صحیح است ما این سؤالات را در دانشگاه
افسری میکنیم این یک کار داخلی دانشگاه افسری
هم هست و در همه دنیا هم معمول است موقعیکه یک
عده ای وارد یک دستگاه میشوند از آنها یک سؤالاتی
میکنند (دکتر بقائی - این سؤالات ابتکار ستاد
وقت بوده) خوب ستاد وقت بنظرش رسیده و دستور
داده که دانشگاه اینکار را بکنند اما اینکه فرمودند
که اگر کسی زبان روسی بداند ما میفرستیمش به اش
این بنظر بنده درست نیاید چون اینها با دانشان را
خودشان انتخاب میکنند و علاوه مادر دانشگاه افسری
و دانشگاه جنگ زبان روسی تدریس میکنند و جدید
میکنیم که یک عده از افسران زبان روسی بداند
بنابر این اگر کسی زبان روسی بداند ما با او دعوی
خاصی نداریم اما در ضمن مطالبی که آقایان (دکتر
بقائی - راجع بسؤال انتصابات هم بفرمائید) می بانی
یک افسر وظیفه ای که وارد خدمت میشود از نظر
مصالح خدمتی ارتش ما باید با افکار سیاسی او آشنا
شویم (دکتر بقائی - عمل برخلاف قانون اساسی
هم بکنید) بنده نمیدانم که این عمل برخلاف
قانون اساسی است و اگر خلاف قانون است حذف
میکنیم (دکتر بقائی - آنها هم زرنگتر از آنند که
حقیقتش را بنویسند) خودمان هم میدانیم ما تمام این
هزار نفر را بیشتر را جمع میکنیم در یک آمفی تاتر
نسبه بزرگ و این روزه های سؤالی را میبیم دستشان
آنها تندند می نویسند میبندند با اینها اغلب هم
نمی خوانیم میگذاریم آنها آنها اجباری دارند که
بنویسند به کی رای داده اند ما به فشاری داریم ولی
نظر ما معلوم است که افکار سیاسی را بدانی بنده
هم تحقیق میکنم اگر این سؤالی واقعا خلاف قانون
است بر میداریم (خلایف قانون اساسی نیست ولی
سؤال صحیحی هم نیست) بنده میگویم این سؤالی را
حذف کنند (احسنت) آقای مکی یک مطالبی فرمودند
و در ضمن آن مطالب اشاره کردند که بنده بیکه ای
خدمتشان عرض کرده ام این نکته صحیح است همانطوری
که در ضمن بررسی خدمت افسران بر خود دیدم فرمودند
سربازان هم برخورداریم که این مدت خدمت برای فرا
گرفتن فنون امروزی ارتش کافی نیست و داریم این
را بررسی میکنیم و بطوریکه بنده شاید قبلاً هم عرض
رسانده ام که بین وزارت جنگ و کمیسیون نظام مجلس
یک همکاری بسیار دقیق و صمیمانه ای برقرار است
بنده این را به عرض کمیسیون نظام رسانده ام و در آنجا
هم داریم مطالعه میکنیم ولی این نکته ای نیست
که وزارت جنگ دارد مطالعه میکند وزارت جنگ دارد
مطالعه میکند که در ضمن این سؤالی یک کتیب

های بیشتری بافصلی بکنند که مقبول تصویب
و اشکالات امروزی را مرتفع بکنند ما داریم بررسی
میکنیم که آن افسانیه که تا بحال خدمت نمانده اند و
اشکالاتی در زندگی آنها پیش آمده است تمام آنها
را از خدمت معاف میکنیم ما داریم بررسی میکنیم که
مشمولین هر سال آن عده ای که می خواهیم باوقتی
بیاوریم تربیتی بهمیم که آنها هم با وضع ساده تری
خدمت وظیفه شان را انجام بدهند و هده ساله اینها
رو به رو انبار نشوند وزارت جنگ مشمول بررسی این
لوايح است و همیشه هم این است که برودم کتیب کرده
باشد و این لوايح را هم بنده می آورم به عرض نمایندگان
میرسانم ولی اینکه فرمودند این سربازی که ما می آوریم
لطفاً بکشاورزی کشور میزبیم بنده این را عقیده
ندارم شاید در نتیجه حرفه و کارم است که عقیده
ندارم ما در سال در حدود ۵۰ هزار الی ۶۰ هزار فرد
سرباز میگیریم ما باین ۵۰ الی ۶۰ هزار سرباز فرد
مدت یکسال که میگیریم علاوه بر اینکه برای یک کار
مقدس آماده اش میکنیم ما باینجا زبان فارسی یاد
میدهم ما از امسال شروع کرده ایم که باینجا تعلیمات
کشاورزی بهمیم که اوقات اینها بهر نرود و یک چیزی
هم بیاموزند که فردا بفرود زندگی آنها بفرود اما
اینکه اشاره فرمودند که این افسران وظیفه الان بسیار
از اینکار در عذاب هستند و ناراحت هستند بنده باین
عقیده موافق نیستم البته بنده تصدیق دارم که افسران
وظیفه ای که در خدمت نگاه داشته ایم مثل مستخدمین
جزه این کشور از حبت معاش در مضیقه هستند بنده
این را تصدیق میکنم ولی این وضعیت عمومی دارد
اینکه تصویر ما نیست بنده در این موضوعی که امروز
پیش آمده است در این مکانی که مقدس است عرض
میکنم که از آنها می که جوانان این کشور و دیپلمه ها
و لیسانسیه ها خدمت وظیفه میکنند وزارت جنگ سیاستگزار
است و در مدتی که هم در خدمت هستند ما اینطور
می بینیم که باینجا بهر جهت خدمت میکنند روزی هم
که از خدمت مرخص میشوند باز هم صدمه آن ارتش
را ترک میکنند و وزارت جنگ بایستی در اینجا صراحتاً
سیاستگرای و تقدیر خودش را نسبت به خدمت این جوانان
کشور به عرض برساند (احسنت)
رئیس - آقای دکتر بقائی بفرمائید
دکتر بقائی - من تأسف میفرموم از این
احسنت هائی که اینقدر در این مجلس بهر مورد
(غنده نمایندگان) (احسنت) بنده آمدم در اینجا
خدمت آقایان نمایندگان عرض کردم که این سؤالی
که از دانشجوی دانشگاه افسری میکنند که به
انتقاد رای داده ای این بر خلاف اصل صریح
قانون اساسی است میگویند که تحقیق میکنیم
اگر اینطور بود و بر خلاف قانون بود میگویند
این سؤال را نکنند و آقایان همه میگویند
احسنت است آقایان باید بگویند که چرا اینکار را
نمودند چرا تحقیق نکردند اینکار را کرده اند
(وزیران افسری - ایشان که نکرده اند) هر کس که
کرد ولی بنده انتظار دارم که آقایان این احسنتها
را برادرانم گرفتاری این هزار نفر بفرمائید ایشان
بفرمائید که اینها خیلی راضی هستند بنده چاروا
خدمت ایشان عرض میکنم و قتی که یک افسر وظیفه ای
سنوات سوم یا ستوان دوم جاو نهمه سال آن پال و

ص ۵
مذاکرات مجلس شورای ملی
ص ۵

که پیش آید موجب اضطرار دولت است عرض کنم که اوضاع و احوال دیگر اجازه نمی دهد که ملل بزرگ در ممالکی مثل ایران با یکدیگر تماس داشته باشند و بگذرد مملکتی بقدر کافی هست و تنها بایران اختصاص ندارد سازش کنند و ملل کوچک را از حق آزادی اداره کردن امور خود محروم نمایند اگر دولت بزرگ نتوانست مملکت چین را که اهمیت سیاسی و اقتصادی آن با ایران قابل مقایسه نیست با رویه ای که در آنجا اتخاذ کرده بودند آن را حفظ کنند در کشور ایران هم می توانند بقصود خود برسند.

هر کس اینطور فکر بکند که بعضی از دول بزرگ رضایت می دهند که کیانی نفت ملت ایران را تسخیر کند و مدت ۲۲ سال هر ساله صد میلیون لیره از معادن نفت این ملت بیچاره و بدبخت ببرد یا خائن است یا احمق و هر سازش با فاشی هم که بین آنها حاصل شود موقت خواهد بود.

چون دولت های دست نشانده ما قادر نیستند که اختلافات بین دولت و کیانی را حل کنند هر قدر هم با انتظار دولت بشنیم بیشتر موجب تضییع وقت و مزید خسارت است بنابراین اگر نمایندگان مجلس شورای ملی از چند نفر از نمایندگان مجلس ملی انگلیس دعوتی بکنند که آنها بایران آمده و اوضاع و احوال را از نزدیک مشاهده کنند و فجایی که شرکت نفت در این کشور مرتکب میشود در این جا بشنوند بدیهی است که وجدانشان اجازه نخواهد داد که ملت ایران باز دچار ظلم و ستم واقع شود و از این دعوت ممکن است این نتیجه گرفته شود که حسن تفاهمی بین دولت و کیانی ایجاد شده و اختلافاتی که هست بکلی مرتفع شود.

بمدار مراجعت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از لندن ، معلّمین باوضاع می گفتند که هر قدر مقابل تشکیل مجلس مؤسسان متعهد شده است که قرارداد نفت در مجلس شورای ملی تصویب شود و من هیچوقت نمی خواستم این حرف را تا عملی نشود قبول کنم تا این که روز قبل در یکی از جراند خواندم که بیاس خدمت صادقانه و لیاقتی که طی زمامداری اخیر آقای رزم آرا از خود نشان داده اند ، روز تولد ملوکانه مورد تقدیر شاهنشاه واقع و بدریافت نشان درجه اول تاج باحمایل مقنن گردیده اند.

این خبر مرا بتدرید انداخت که اعطای این نشان بزرگ برای این است که از بوق انومیلها جلوگیری شده یاد یک امر حیاتی خدمتی بمملکت نموده اند.

اگر این نشان برای موافقتی است که جناب رزم آرا در مجلس سنا با قرارداد الحاقی نموده است باید گفت که خداوند اینطور خواسته که ملت ایران از هستی ساقط شود ، ولی اگر برای این است که در مجلس شورای ملی بیانات مجلس سنا را تأیید نکرده است امیدواریم که بتوجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی کار های سابق جبران شود آنگاه معلوم خواهد بود که این تقدیر ملوکانه بر ضرر ایران تمام میشود یا نمی شود.

حاذقی - تذکر نظامنامه ای دارم
رئیس - درجه ماده ای
حاذقی - شماره ۸

(ماده ۸ و ابشر زیر قرائت نمودند)

دستور مجلس بطور مرتب و بابتبیین تصویب تأخر قبل برای هر دو هفته از طرف هیئت مرکزی از رئیس و نواب رئیس و رؤسای کمیسیونهای که گزارش لوایح ارجاع شده را بمجلس داده باشند با حضور یکی از وزیران تعیین نخست وزیر تهیه و بیست و چهار ساعت قبل از انعقاد اولین جلسه طبع و بین نمایندگان توزیع و بر لوحه دستور نیز نصب میشود این دستور بهیچوجه قابل تغییر نیست مگر در موردیکه بمسک فوریت و ضرورت از طرف دولت یا یازده نفر از نمایندگان کتباتاً تصویب و در اینصورت بشرط تصویب مجلس دستور تغییر خواهد یافت.

رئیس - ایام اخیر مجلس دستوری نداشت بانظر مجلس دستور تعیین میشد بهر حال الان وارد دستور میشویم گزارش کمیسیون دادگستری است که نام نویسی کرده اند.

حاذقی - استدعا میکنم این دستور اجرا بشود که وقت مجلس صرف کار بشود ضمناً هم استدعا میکنم که بودجه که جزء دستور است مقرر بفرمائید که در جلسه آینده مطرح بشود چون ما آخر این ماه یک دوازدهم تصویب نخواهیم کرد.

۴ - طرح گزارش کمیسیون دادگستری راجع بقانون تصفیه کارمندان دولت

رئیس - حالا گزارش کمیسیون دادگستری قرائت می شود.

(شرح زیر قرائت شد)
گزارش از کمیسیون دادگستری به مجلس شورای ملی
ضمن شور اول لایحه شماره ۹۱۹۵ دولت راجع باصلاح قانون تصفیه کارمندان دولت کمیسیون دادگستری در ضمن رسیدگی به پیشنهادات واصله از آقایان نمایندگان و مراجع بصورت جلسات رسیدگی هیئت تصفیه نظر پیش آمده بی ترتیبی هایی در نظر رسیدگی سه نفر از اعضاء کمیسیون را با اتفاق آراء تعیین نمود که در دفتر نخست وزیر پیشینه وسوابق طرز انتصاب هیئت تصفیه و ملاک و مآخذ تشخیصات آنها را مطالعه نمایند نتیجه مطالعات نشان میدهد که اولاً رواسه دولت وقت یا اصلاً توجهی بمقررات قانون نکرده اندیابی بمفهوم آن نبرده اند زیرا نخست وزیر وقت در مورد یکی از اعضاء هیئت بدون آنکه مستغنی شده باشد شخص دیگری را معین و معرفی نموده است.

پیشنهاد دوم نیز از اعضاء هیئت در پرونده دولت موجود نیست. نخست وزیر برخلاف قانون یک نفر دیگر از اعضاء هیئت را شخصاً معین و حتی صدور فرمان را موقوف بید نموده در صورتیکه مطابق قانون هیئت تصفیه قیاسی از مفت نفر از اشخاص بصیر و مورد اعتماد پیشنهاد دولت و فرمان همایونی بطور ثابت برای مدت یکسال تعیین شود و با این ترتیب رواسه دولت در انتخاب اعضاء هیئت تصفیه هایت شرایط و اوصاف قانونی را ننموده اند.

ثانیاً هیئت تصفیه نیز در عدم رعایت قوانین از رزم آرا دولت هتپ ننشاندند چه اولاً با اینکه از عنوان قانون (قانون تجدید نظر در سازمان وزارتخانه ها و تصفیه کارمندان دولت) و ماده اول آن که صراحت دارد در هیئت تصفیه باید در سازمان وزارتخانه ها و ادارات در کار باقی بمانند و بعضی را مضر تشخیص داده که باز

تجدید نظر نموده تکلیف کارمندان آنرا معین کند و قسمت الف ماده اول که مینویسد: همه ای که بایند در خدمت باقی باشند. بیرواضح است که مقصود کارمندان دولتی است که در موقع رسیدگی بوضع آنها در خدمت هستند و بقاء آنها از نظر احتیاجات واقعی ضرورت دارد یا اینکه هیئت تصفیه از کارمندان دولت بقوه مقتنه تجاوز نموده و با این که کمیسیون دادگستری در موقع وضع قانون بهیچوجه نظری بشمول آن اعضاء قوه مقتنه نداشته نسبت بعهده ای از اعضاء مجلس شورای ملی و مجلس سنا اظهار نظر کرده است ثانیاً با اینکه قانون تصفیه در اول تیر ۱۳۲۸ بتصویب رسیده و لایحه استخدام قضاة که ترتیب خاصی برای اثبات عدم شایستگی آنها در نظر گرفته است در این موقع برای شور دوم در کمیسیون مطرح بوده و آقای دکتر سجادی وزیر وقت تا چهارم مرداد که روز انعقاد دوره یازدهم قانونگذاری است لایحه مزبور را جداً تعقیب رسمی مینمود قبل از تعطیل مجلس آنرا بتصویب برساند و بهمین جهت در قانون تصفیه کارمندان ابدأ ذکر از قضات یا مستخدمین قضائی بعمل نیامده معذک دیش تصفیه بریاست خود آقای دکتر سجادی که بهتر از هر کس واقف بخدمت شمول قانون مزبور نسبت بقضات بوده است عمداً یا سهواً این قانون را شامل قضاة نیز قرار داده است و تشخیصاتی نسبت به آنها قائل شده است و چون تجاوز هیئت تصفیه با اعضاء قوه مقتنه مخالف با اصول مسلم و برخلاف اصل ۲۸ متمم قانون اساسی و اصل تفکیک قوا و فلسفه مصونیت نمایندگان و برخلاف همان قانون تصفیه کارمندان دولت میباشد و تشخیص عدم شایستگی و غیر مفید بودن قضاة و حکام معاکم از طرف هیئت تصفیه ملازمه با انفصال و تغییر شغل

آنها دارد و این امر مخالف با اصل ۸۹ قانون اساسی و برخلاف همان قانون تصفیه که ملاک عمل هیئت تصفیه بوده است میباشد تشخیصات هیئت در مورد نمایندگان وقت و قضات برخلاف قوانین اساسی و قوانین جاریه و خارج از حدود صلاحیت و اختیارات آنها بوده و بنا بر این هیچگونه اعتبار آثاری نمیتوان بر آن مترتب داشت و بغیر خود لغو و بلا اثر است و اما تشخیصات هیئت تصفیه نسبت بسایر افراد کارمندان

۱ - با اینکه قانون تصفیه بدلائل مذکور در فوق نظر بکارمندان رسمی داشته است که دولت ناگزیر از ارجاع خدمت به آنها بوده هیئت بوضع هدای از اشخاص رسیدگی نموده که اصلاً استفاده از خدمت دولت نمیکردند و برخلاف قانون بعضی را مفید و برخی را بیفایده و جمعی را نا شایسته شناخته است و با این ترتیب لازم می آید دسته اول وارد کار بشوند و دومها مادام که کاری به آنها رجوع نشده است از دوات حقوق بگیرند.

۲ - قانون تصفیه صراحة اشخاصی را که مشمول قانون بازنشستگی هستند مستثنی کرده زیرا اجرای قانون بازنشستگی از طرف دولت نسبت به آنها الزامی است و این امر خود ملازمه با خاتمه خدمت آنها دارد و با وجود این هیئت تصفیه نه فقط نسبت بعهده ای از آنها اظهار نظر کرده بلکه بپایل خود بعضی را مفید شناخته که برخلاف همین قانون و قانون بازنشستگی باید در کار باقی بمانند و بعضی را مضر تشخیص داده که باز

خلاف قانون باز نشستی بجای اینککه مادام الامر حقوق قضاة خود را بگیرند بایستی کشور بازنشستگی را که پرداخته اند پس بگیرند و بعضی را هم مینویسند چون مشمول بازنشستگی هستند از اظهار نظر نسبت به آنها خودداری شده خلاصه برای اولین بار بجای یک بام و دو هوا یک بام و چند هوا قائل شده اند (مراجعه بصورت جلسه مورخ ۲۸-۶-۲۸ هیئت تصفیه بشود)

۳ - هیئت تصفیه منتظرین خدمت را هم مورد نظر قرار داده است در صورتیکه منتظرین خدمت طبق قانون استخدام فقط نصف پادو ثلث حقوق خود را بگیرند و دولت تا زمانی که احتیاج به آنها نداشته باشد الزامی در ارجاع شغل به آنها ندارد لیکن با اظهار نظر هیئت تصفیه درباره آنها اگر بیفایده هم تشخیص شوند مطابق این قانون باید تمام حقوق خود را دریافت دارند

۴ - اعضاء هیئت تصفیه حدود اختیارات خود را تا پس از مترك مستخدمین نیز توسعه داده اند بصورت اینکه ممکن است بعضی از مستخدمین در آن دنیا هم دست از گریبان دولت برندارند نسبت بعهده ای از مستخدمین متوفی نیز از قبیل مهدی شریعتزاده حسین سیاسی وغیره از اظهار نظر خودداری نکرده است

بنابراین در چهار مورد مذکور در فوق نیز چون رسیدگی بوضع آنها خارج از صلاحیت و حدود وظائف و اختیارات تصفیه بوده است تصمیمات و تشخیصات آنها دارای آثار قانونی نبوده و لغو است

در مورد تصمیمات هیئت تصفیه نسبت بکارمندان رسمی و شاغل - هر چند رسیدگی هیئت بوضع آنها در حدود صلاحیت و اختیارات هیئت تصفیه بوده لیکن نظر باینکه در انتخابات اعضاء هیئت چنانکه ذکر شد رعایت شرایط و مقررات قانونی بعمل نیامده و در تشخیصات هیئت مطابق سوابق امر که مسلم است هیچگونه مآخذ و ملاکی جز سلیقه و نظر شخصی مدخلیت نداشته است و قطع نظر از اینکه تفویض حقوق مسلم افراد باختیار چند نفر آنها بدون تعیین طریق رسیدگی و تأمین وسائل دفاع و انفصال و سلب حق از مستخدمین از روی تمایل و نظر شخصی مخالف صریح قانون اساسی و مباین با اصول قانونگذاری است و بر فرض تصویب چنین قانونی در اثر عدم توجه نظر بمخالفت آن با قانون اساسی قابل پیروی نبوده و اشتباه یا غفلت در هر مرحله و موقع باید جبران گردد کمیسیون دادگستری با توجه به پیشنهادات عده ای از آقایان نمایندگان محترم ماده واحده زیر را برای شور دوم بمجلس شورای ملی تقدیم مینماید:

ماده واحده - تصمیمات هیئت تصفیه کارمندان دوات بلا اثر است و دولت مکلف است در سازمان وزارتخانه ها و ادارات و شهرداریها و بنگاههای که با سرمایه دولت تشکیل شده است تجدید نظر نموده و ادارات و دوات را حذف و صورت تشکیلات را طبق اصل ۲۱ قانون اساسی برای تصویب در طرف ۶ ماه بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید و ضمناً پرونده کلیه مستخدمین و قضات را که تخلفات اداری یا اتهام کیفری دارند در اسرع اوقات برای تعقیب بمراجع مربوطه قانونی احاله داده در ظرف همین مدت لوایح لازم قانونی را برای تعیین تکلیف مستخدمین زائد بر احتیاج بمجلس شورای ملی تقدیم نماید

رئیس - آقای مکی بفرمائید آقای کشاورز صدر نوبتشان را بشاداده اند

مکی - بنده قبل از اینکه در اطراف لایحه تصفیه کارمندان دولت وارد بحث بشوم چون يك نامه ای از آقای نظام امامی از لندن رسیده بود و در روزنامه های جبهه ملی هم چاپ شده بود و همچنین روزنامه های دیگر هم چاپ کرده بودند برای آقای نظام امامی يك سوه تفاهمی ایجاد شده بنده عرض کردم یکی از کيسرهای سابق و این صورت جلسه هم اینجاست که بنده گفتم یکی از کيسرهای دولت در لندن دستور میدهند خیلی قبل البته مربوط بکيسر فملی نیست (یک نفر از نمایندگان - آروز هم گفتید) بلی آروز هم گفتم و یکجای دیگر هم عرض کردم که مربوط به نماینده فملی نیست و مربوط بقبل است این را بنده عرض کرده بودم ولی چون دیدم ایشان اینطور خواسته بودند که بنده در مجلس شورای ملی این موضوع را تذکر بدهم تذکر دادم علت اینهم که ایشان اینطور برایشان سوء تفاهم ایجاد شده بود گویا بر اثر اطلاعات هواپی است که با هواپیما بلندن رفته و این قسمت از عرایض بنده را آنجا ذکر نکرده بود و این سوء تفاهم برای ایشان پیدا شده است در هر حال مطالبی که در روزنامه ها نوشته می شود هیچ نوع سندیتی ندارد و مطالبی که می توان بدان استناد کرد همین مجله مذاکرات مجلس شورای ملی است بعد از تصحیح و بنده هم در مجله مذاکرات رسمی دو مرتبه تأکید کردم که مربوط بنمایند فملی و کيسر فعلی در لندن نیست ولی خوشبختانه دیدم ایشان با اینکه چنین چیزی را نوشته بودند يك موضوعی هم از لابلای سطور ایشان بنده انجا سند میکنم که چنین چیزی را هم ایشان انکار نکرده اند و گفته اند که همچو چیزی هست منتهی مربوط بایشان نبوده و اما در مورد این لایحه تصفیه کارمندان دولت بنده دو مرتبه راجع باین لایحه يك مطالب و يك سلسله عرایض باستحضار مجلس شورای ملی رساندم و خاطر نشان کردم که قصد بنده حمله یا توهین یا اهانت بيك دسته بخصوص نیست و فقط از لعناط مصالحت و رعایت حفظ اصول قانون گذاری بنده يك عرایضی کردم و خودم را در آن موقعی که آن عرایض را با اطلاع مجلس میرساندم هاری از هر نوع حب و بغضی کردم و اکنون هم که در اطراف این لایحه يك عرایضی میخوام عرض بکنم خدا میداند که خودم را هاری از هر نوع حب و بغضی کرده ام و میخوام آنچه مصالحت مملکت و خیر مجلس شورای ملی است باستحضار آقایان نمایندگان محترم برسانم - اولاً در مقدمه این گزارش که از کمیسیون دادگستری برگشته اشاره شده است که چون مخالف با قانون اساسی بود این قانون نمیبایستی اجرا شده باشد مجلس شورای ملی ایران که يك قانونی واضح میکند در موقع وضع قانون بایستی جهات و خصوصیات را در نظر بگیرد و بعد با ایجاد روضه قانون بگذرد بکنند آن روزی که این قانون گذشت مادر کمیسیون دادگستری نبودیم غالب آقایان که امروز در کمیسیون دادگستری هستند و این رای را داده اند همان آقایان بوده اند که نسبت بلایحه تصفیه رای دادند و اگر استدلال بکنند که آروز در اثر فرس ماژور بایک فشاری آن رای را داده است غیر

نتیجه این شد که در مجلس شورای ملی اظهارات ایشان بشع علت ایران ولی در مجله مذاکرات مجلس و بعضی از جراید بنفع شرکت نفت تمام شود اکنون بقصد اجازه می دهیم که اول سؤال کنم چه چیز باعث شد که آقای نخست وزیر از روز تعیین استیضاح که ۲۰ روز نمی گذشت دو عقیده مختلف اظهار کنند یعنی اول با قرارداد مخالفت کنند و برای جواب استیضاح حاضر شوند پس از آن در مجلس سنا با آن موافقت نمایند و باز این سؤال را بکنم که دولت رزم آرا که از اشخاصی مصلحه الاسلامی ذیل تشکیل شده آقایان محسن رئیس وزیر خارجه فرور وزیر دارائی - سر لشکر هدایت وزیر جنگ - دکتر جهان شاه صالح وزیر بهداشت - شریف امامی وزیر راه - دکتر جزائری وزیر فرهنگ - بوذری وزیر دادگستری مهدوی وزیر کشاورزی - دکتر مهدی دفتری وزیر اقتصاد ملی و همگی مسئولیت مشترک دارند آیا با ماده ۱۰ قرارداد الحاقی هم که امتیاز را برای مدت ۲۲ سال تمدید میکند موافقت می کنید؟ همچنین می خواهم بیاناتی را که جناب آقای صالح در موقع استیضاح نموده اند تأیید عرض کنم که کیانی نفت حتی در جزئیات امور ما هم بی دخالت نیست و جناب آقای رزم آرا که در جلسه ۲۷ مهر ماه مجلس شورای ملی اینطور اظهار کرده اند: «من که يك ایرانی هستم از پشت این تریبون با صدای رسامی گویم آقایان چرا ما خود را آنقدر ضعیف و نحیف ارائه داده این قسم خود را تابع نظر و نیت خارجی نشان دهیم که بگوئیم جریان امور در کشور ما و باز نجبر جهل و نادانی دست و پای ما به وسیله آنهاست اگر چنین است باید بایک حرکت این زنجیرها را گسست»

اگر گفته های ایشان صحیح است چرا خود ایشان لایحه الفای امتیاز نفت جنوب را پیشنهاد نمیکند که بیش از این وقت مملکت صرف مناقشات نشود چونکه در هیچ مملکتی قرارداد امتیاز تابع مقررات حقوق خصوصی نیست که تا طرفین موافقت نکنند نتوان آن را الفا کرد بلکه مشمول مقررات عمومی است که اگر هیچ تظلمی هم کیانی از مواد قرارداد نکرده بود دولت می توانست روی مصالح عمومی و اصل حاکمیت آنرا الفاه کند

آقایان وازلند و پروفسور ژیلن اگر این عقیده را اظهار نکرده اند علت این بوده که کسی از آن ها در این باب سؤال نکرده است - کمترین که در همین مملکت هم این کاری سابقه نیست و امتیاز رزمی (انحصار و خانیات) که به ماژور تالیوت انگلیسی و امتیاز شیلات که به لیانزف تبه روسیه تزاری داده شده بود روی مصالح ایران و اصل حاکمیت دولت الفاه شده است ولی چون نه بیانات جناب آقای سیدمقرون بطلقت است و نه ما می خواهیم با دولتی مثل دولت انگلیس که مجاور و دوست ماست در اختلاف و مناقشه

اسلام می داند برای استمرار صلح بین المللی که صلح بین المللی است

از این قانون قوانین ظالمانه دیگری هم در ادوار مختلفه مجلس و حتی در آخر دوره پانزدهم مجلس که مملکت اینطور گرفتار حکومت ترور و وحشت شده بود از کمیسیون داد گسری و از سایر کمیسیونها گذشته است پس چطور این یکیش ظالمانه است ولی قوانین دیگر ظالمانه نیست؟ بنده مکرر با اطلاع مجلس شورای ملی ایران رسانیدم و در دوره گذشته هم رسانیده بودم که یکی از قوانین ظالمانه ای که در هیچ کجای دنیا خدایداندن حشبه هم امروز تمدن و اصول قانونگذاران را مسلماً بدتر از کشور مانیست ولی در مثلث مناقشه نیست هروقت سابق بر این میخواستند یک جانی را موره مثال قرار بدهند میگفتند حشبه و زنگبار ولی حالا که حشبه و زنگبار حکومتشان قانونی تر از حکومت ماست و آنجا اگر یک وزیر یا اقرار بدزدی کرد مسلماً او را از پشت میزش بلند میکنند ولی ما نمیکنیم در هر حال، حالا ما میگوئیم حشبه و زنگبار با فرض اینکه آنجا اصلاً حکومت قانونی ندارند و حکومت استبدادی دارند و هر کس راهم حق دارند با چوب و چاق سرش را بکوبند (بگفتند از نمایندگان - قریباً سفیرشان بایران می آید) آمده است آقا (نورالدین امامی - چشم ما روشن) چشم آقا خلیلی رفیق مطلوبهائی ما روشن چون رفیق ایشان هستند در دوره گذشته عرض کردم که ما یک قانون داریم باسم قانون کیفر گرانفروشان که عرض کردم با فرض اینکه در مملکت حشبه حکومت قانونی ندارند و قانون نمی دانند چیست در حشبه و زنگبار هم مسلماً یک کسی را در معرهم نمیخواهند شلاق بزنند (صحیح است) و جریمه نقدی بکنند (احسنت) بدوماه سه ماه حبس محکومش بکنند و این حق نداشته باشد بعد از اینکه این حکم را در باره او خواستند اجرا کنند برود بیک مرحله بعدی، بیک مرحله تجدید نظری و یک مرحله استینافی مراجعه بکنند حکم قطعی است یعنی اگر الان یک کاسب جزعرا در خیابان خوابانده شلاق زدند و یا خواستند بخواهند شلاق بزنند هیچ مرجعی برای او وجود ندارد و این حکم قطعی است یعنی دو نفر در یک اتومبیل نشسته اند میرسد آنجا و میگویند این آقا را بخواهید شلاق بزنید و این حکم فوراً بر حله اجرا گذاشته میشود در حشبه و زنگبار هم که فرض اصلاً حکومت قانون نیست یک همپوور سعی وجود ندارد و این طور با مردم رفتار نمیکنند و این یکی از ظالمانه ترین قوانین است اگر این قانون را در قرون وسطی اجرا میکردند اشکالی نداشت ولی در قرون بیستم یکچنین قانونی موجب سرافکنندگی ملت ایران در بین مللی است که حکومت قانون و دموکراسی نام گذاری شده اند. یکی دیگر همین قانون مطلوبه است که در آخر دوره پانزدهم با فرس مازور در همین مجلس روی جهات و مقتضیات بخصوصی وضع شده آیا این قانون ظالمانه نیست؟ آقایان اشاره میکنند که این قانون برخلاف قانون اساسی است بنده این اصل قانون اساسی را که راجع به مطلوبه است قرائت میکنم تا ملاحظه فرمائید که آن قوانینی که با فرس مازور در آخر دوره پانزدهم در مجلس شورای ملی گذشت آن طور حکومت ترور و وحشت ایجاد کردند و یک کودتا یا شبه کودتایی در ایران کردند تا توانستند این قوانین را بکنارند

اینها با قانون اساسی هیچ تضادی ندارد و مخالف با روح قانون اساسی ایران نیست؛ اصل بیستم - دهامه مطلوبه غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آراه و میزری در آنها ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطلوبه در آنها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطلوبه مجازات میشود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند ما پارسال که در زندان بودیم مدیر روزنامه صدای وطن و نویسنده اش آقای جواهر کلایرا شب گرفتند آوردند بزندان، این جرمش این بود که یک کاریکاتوری کشیده بود یک صحرائی که بلای از افراد سیاسی معاصر خودش درست کرده بود و آیه الله بن هلی واقفیت را بشکل مسا کر ایشان معرفی کرده بود، یک کاریکاتور اینطور درست کرده بود این را گرفتند سه سال محکومش کردند بجس، یک مقاله ای هم راجع بدیکاتوری معاویه و یزید نوشته بود (نورالدین امامی - خدا آنها را لعنتشان کند) بچرم اینکه چرا راجع به یزید و معاویه چیز نوشتی او را محکوم کردند. روز پانزدهم عاشورا یک مقاله ای نوشته بود بدیکاتوری یزید و معاویه لعنت فرستاده بود آنوقت محکمه نظامی باو گفته بود که این با اوضاع حاضر تطبیق میکند تو چرا نوشتی؟ بابا یزید و معاویه مرده اند روحشان هم آتش گرفته رفته، این چه چیزش با اوضاع حاضر تطبیق میکند؟ این عمل برخلاف این اصل قانون اساسی بود ۳ سال هم مدیر روزنامه و نویسنده اش را محکوم کردند و هیچکس هم نکفت آقا این برخلاف قانون اساسی است. یا همان قانون ننگین مطلوبه ای که واقف از ننگهای دوره پانزدهم است و این در موقعیکه از مجلس میگذشت یکی نکفت کی گفته است که یک مدیر روزنامه ۲۰ روز، ۲۵ روز، ۳۰ روز دو ماه حبسش کنند و هر وقت خواستند پرونده آنها را به جریان بیندازند؟ یک جوانی بنام کر باسچیان را الان نزدیک ۳۰ روز است گرفته اند حبس کرده اند روی یک تلفن، چون دستگاه قضائی ما خیلی خوب کار میکند واقفاً دادستان تهران نیز قانون را مراعات میکند این را بیست روز سی روز است گرفته اند حبس کرده اند در صورتیکه قانون ما میگوید ۲۴ ساعته باید تکلیفش را معین بکنند اینست وضع اجرای قوانین در این مملکت. یک قانون دیگر در دوره پانزدهم روی یک جهات و خصوصیات در مجلس به تصویب رسید بنام قانون تشدید مجازات رانندگان و اینهم یکی از قوانین ظالمانه است که در هیچ جای دنیا یک همچو قانونی را وضع نمی کنند و اگر یک چنین قانونی وضع کردند و تشدید مجازاتی هم لازم بود یک مراحل بعدی برایش قائل میشوند و میگویند یک یکی از مدیران جرایم یعنی مدیر روزنامه آتش بین گفت که در خیابان یکی از این اتومبیلهای محکمه سوار جاو اتومبیل مرا گرفت گفت تند میرفتی گفت خیلی خوب دیگر امروز گفته ۲ تومان جریمه شد است بازشود، اینها را مردم میفهمند و دیگر زبیر این بارها

نمیروند و گول این حرفها را هم نمیخورند و شهرداری هم اگر بخواهد زیاد در اینکار اصرار کند من از وزیر کشور استیضاح خواهم کرد مردم آزادند و بایستی خودشان تعادیه خودشان را اداره بکنند. شهرداری بیجا میکند که مردم را وادار میکند تعادیه فلاپی بسازند (اسلامی - اصلاً وزارت کشور منحل است) شما خیال میکنید اگر وزارت کشور منحل میشد آب از آب تکان میخورد؟ (اسلامی - هیچ چیز نمیشد) این وزارتخانه را هر کدامش را اگر درش را قفل بکنند نه تنها در وضعیت مردم فشار و مضیقهای ایجاد نمیشود بلکه مردم یک نفس راحتی خواهند کشید و از دست مأمورین مالیات بردارند و اینهمه رشوه ای که میدهند راحت میشوند. در تمام شئون این مملکت رشوه حکومت میکند. هر کس رشوه داد کارش پیشرفت میکند و هر کس رشوه نداد بدبختی از دست ساقط خواهد شد. این وضع مملکت است پس بنابراین اگر یک قفل بدتر تمام این وزارتخانهها بزنند آب از آب تکان نخواهد خورد مردم هم یک آسایش و راحتی پیدا خواهند کرد و بمجلس شورای ملی و قفل کنندگان در وزارتخانهها دعا خواهند کرد (آشتیانی زاده - قفل را باید بدر خود مجلس زد) آنوقت صورت ظاهر و اصول دمکراسی اش درست نیست آنوقت شهرداری نمیتواند اینکارها را بنام قانون بکند. اینها یک قوانین ظالمانه ای بود که در ادوار گذشته و در آخر دوره پانزدهم مجلس شورای ملی متأسفانه و بدبختانه از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است و این قوانین هم با اصول دمکراسی امروز دنیا تطبیق نمیکند و حتی شما بطوری که عرض کردم اگر یک حشبه یا یک زنگبار استبدادی را میچشم بکنیم بهلوی خودمان مال دوران قرون وسطی را در آنها هم یک همچو قوانینی حکومت نمیکند ولی در ایران متأسفانه بنام قانون این فشارها و این بدبختیها را بر مردم دارند تحمیل میکنند. از این گذشته ما مکرر راجع به تصفیه دستگاهها در مجلس شورای ملی صحبت کرده ایم. حتی خاطر هم هست در همان موقعی که اعلیحضرت هماپونی در امریکا بودند چه در جرایم امریکا و چه بوسیله نطق و خطابه و چه بعد که تشریف آوردند به تهران مکرر از یک تصفیه صحبت کردند و از یک تحولی صحبت کردند و همی صحبت تحول بود که تحول شروع خواهد شد و حتی روزنامه های فکاهی هم خیلی در اطراف این تحول صحبت کردند بعضی گفتند این تحول از طبقه پائین شروع میشود. بعضیها گفتند از طبقه پائین شروع میشود و خلاصه در اطراف تحول بالا و پائین مدتها صحبت شد و بالتبعیجه یک قانون تصفیه از مجلس شورای ملی گذشت و عرض هم کردم که همان عهد یعنی یک عهد زیاد از آنکسانی که در دوره پانزدهم در کمیسیون داد گسری بودند در همین کمیسیون هم الان تشریف دارند و همان عهد آمده این لایحه را آوردند. آن روزی که این لایحه از کمیسیون میگذشت بناسه ایی که از این لایحه مانده در مجلس شورای ملی یعنی صورت حساب آن یکدسته از آقایان نمایندگان پیشهاد میدهند که آقا یک راه تصفیه نظری برای اینکار بکنند. ما چه نصیحت میکنیم میگویند آقا این قانون غیر عادی است تجدید نظر میخواهد چکار کند؟ اگر شما تجدید نظر

بگذارید تمام اینها را که به بند افتاده اند خلاص میشوند و معلوم میشود که آنروز آنها بدستگاه قضائی و داد گسری خیلی اعتماد داشتند چون آنروز یکدسته در کمیسیون گفته اند که اگر تجدید نظر بگذاریم اینها تمامشان خلاص میشوند. ما تصدیق میکنیم که یکدسته از آنها که باین بندها وارد شده اند اینها بی-گناهند (صحیح است) در تمام قوانین وقتی که میخواهند اجرا بکنند مسلماً یک تبعیض هائی میشود و حق و عدالت کاملاً در مورد اشخاص بموقع اجرا گذاشته نمیشود در اینجا هم گذاشته شده و تقریباً بصدی بصدی یا زده یا زده آنها ظلم شده است. یکدسته ای که نباید جزء بند الف باشد و از ناپاکترین اشخاص این مملکت هستند مثل آن یا کروان یا نجس روان اینها در بند الف آمده اند و حالام این آقا سفیر شده (آشتیانی زاده - مزد خون مدرسه را میگیرد) بقول شما مزدخون مدرسه را میگیرد یک کارهایی شده که جانی ترین اشخاصی را که عرض میکنم اگر یک روزی یک معجزه ای رأی بدهد که این شخص را اعدامش بکنند فقط بچرم قتل یک نفر بی گناه که در واقعه شوم صحن حضرت رضا و مسجد گوهر شاد اتفاق افتاده محکوم میشود و خون دوزار فر از بین رفته و اینکه چنین تبعیض هائی در این قانون شده و در بند های دیگر هم اشخاص بی گناه را بدون مورد وارد این بندها کرده اند اینها هست ولی نسبت بصدی هشتاد و پنج دیگرش ما نمیتوانیم راهی باز کنیم و به آنها راهی نشان بدهیم بنده در چند مورد اسامی اشخاص را هم بر دم و هر کس گفت که این اشخاص مردم خوبی هستند از حرف خود پر میگردم یکی آقای مصباح فاطمی است که پادشاهی تخت و تاج خوزستان بوده آبا این شخص که به بنده افتاده آدم خوبی بوده این شخص چهارده یا زده سال پادشاهی تخت و تاج خوزستان بود. این فرمانبردار شرکت نفت بوده، خوزستان را باین فلاکت انداخته هر چه شرکت گفته کرده، میلیونها تومان دزدیده و امروز بنده افتاده حالا شما امروز میخواهید این را باین قانون کمان اسم بکنن نجاشش بدهید و فردا وزیر بشود و قطعاً وزیر داد گسری خواهد شد. یکی دیگر آقای بسدر است که بنده اورا هم اسم بر دم که این موقعیکه در مشهد بوده البته تکذیب هم کرده ولی این را غالب روحانیون مشهد و مردم مشهد برای خود من گفته اند. برای اینکه ایشان یک مهمانی بکنند و پسرشان را بر دسای ادارات و غیره معرفی بکنند وقتی آقای دکتر بدر آنجا میروند قریب هفتصد هشتصد تومان خرج مشروبات الکلی میشود و چون آستانه مجلسی برای مشروبات الکلی ندارد آنوقت سنده هشتصد تومان شمع برای آستانه صادر میکنند مگر آستانه سالی چقدر شمع مصرف میکنند؟ آنجا که هر سال مقداری شمع می فروشد بآن پرونده نوغان و پرونده های دیگری که در همین مجلس دوره چهاردهم اعلام جرم شد شمالین را داربند از بند خلاصش میکنید و میگویند غیر عادلانه است که یک قانون غیر عادی بیاید و این اشخاص را محکوم بکند در صورتیکه کاری نکرده نگفته اند که امواتشان مصادره بشود و بمصرف خیریه برسد یا زنده باشند یا در ایران نباشند یا تبعیدشان بکنند هر چند است گفته اند آقای مصباح فاطمی آقا ای پسر در خانه اش باشد و هر چه بدوخته دارد بخورد و کسی هم باو کاری ندارد فقط نوی دستگاه دولت باشد

و دیگر خدمت دولتی باو مراجعه نمیکنند. باز جای خوشوقتی است که لایحه دولت اینقدر شدید نبود. لایحه دولت که آمد بکمیسیون قلب ماهیت داد. لایحه دولت این بود که یک حق تجدید نظری برای افراد بیگناهی که در این بندها افتاده بودند فائل شده بود که اگر آنها نسبت بحکم صادره یعنی تصدیقات هیئت تصفیه مترش هستند بروند تجدید نظر بدهند این گزارشی که از کمیسیون بر گشته خیلی مسخره است. این نوشته است بکلی کان لم یکن (اسلامی - لایحه دولت هم بکلی گفته بودند میگویند بواشتر) پس کاش همین حرف را میگذاشتیم دولت میگفت و مجلس را آلوده نمیگردیم ما که این حرفها زده ایم اینرا از دهان خود دولت تصدیق گرفته و دیم - مادر خیارج بر علیه مجلس شورای ملی داریم تبلیغ می-کنیم باین نحوه عمل و این گزارش که آمده باین کیفیت و این اگر تصویب بشود هیچ بصیلت مملکت نیست و زینهم نیست و همه خواهند گفت که چون یکدسته ای از متنفذین در این بندها افتادند و یکدسته از نمایندگان مجلس در بندها بودند آمدند این قانون را باین عجله و باین شتاب کان لم یکن کردند در صورتیکه من خود تصدیق میکنم که در مورد نمایندگان بعضیهاشان را بنده خوب میشناسم که واقفاً اینها اصلاً مورد نداشته است که جز بندها گزارشان بدهند و مادام که اینها نماینده هستند هیچ از احترامشان کاسته است و نه کسی میتواند بآنها چیزی بگوید برای اینکه نماینده از روزیکه اعتبارنامه اش بتصویب مجلس برسد تا روزیکه مجلس باز است نماینده مجلس خواهد بود حالا اگر یکروز خواست وارد خدمت دولت بشود آن امریست علیحد که دولت آنروز باید ببیند که این بردش میخورد قبول کند و اگر نمیخورد نکند ولی این حرف مدتها خواهد بود که میگویند نمایندگان چون خودشان در این بندها بودند آمدند این را کان لم یکن کردند و آنوقت ملت ایران تمام طبقه ضعیف ورنجیر و ستم دیده ایران و آنهایی که زیر زنجیر هائی هستند مثل همان نجار و همان ذغال فروش اینرا مجلس نشسته و با کمال خون سردی دارد نگاه می کند و شما ببینید که همان نجار یا ذغال فروش یا آن روزنامه نویس که هادی افکار جامعه است و ما معتقدیم که رکن چهارم مشروطیت است با او چه نوع معامله میکنند؟ اینهاست که آن ذغال فروش حق دارد که مجلس را کعبه اعمال خودش نداند. میگوید آقا این چه کعبه ای است که نسبت بمن ذغال فروش که این رفتار میشود مجلس ساکت است ولی نسبت بیک از آقایان که در مجلس هستند وقتی میگویند که خدمت دولت نکند آنوقت این عالم شنکه را بیا میکنند که امثال مصباح فاطمی یا بدر یا امثال آنها شبیه در بند هستند و خودتان هم میشناسید اینها را بیایند آزاد بکنند که باز بروند بآن ذغال فروش یا آن همیزم فروش یا آن نجار تمبی بکنند. از همه اینها گذشته یک کاریکه کمیسیون داد گسری کرده من میترسم که این عهد ای که حقاً جزء این بندها قرار گرفته اند مثل آقای مصباح فاطمی یا همان پسر اینها را بیایند از مجلس شورای ملی تقاضای خسارت هم بکنند. فردا بیایند بگویند که ما یک چیزی هم طلبکار هستیم و تازه یک چیزی هم طلبکار میشوند زیرا در همین گزارش بهیئت

از این قانون قوانین ظالمانه دیگری هم در ادوار مختلفه مجلس و حتی در آخر دوره پانزدهم مجلس که مملکت اینطور گرفتار حکومت ترور و وحشت شده بود از کمیسیون دادگستری و از سایر کمیسیونها گذشته است پس چطور این یکیش ظالمانه است ولی قوانین دیگر ظالمانه نیست؟ بنده مکرر با اطلاع مجلس شورای ملی ایران رسانیدم و در دوره گذشته هم رسانیده بودم که یکی از قوانین ظالمانه ای که در هیچ کجای دنیا خدایمانند نشده هم امروز تمدن و اصول قانونگذاری مسلماً بدتر از کشور مایست ولی در مثل مناقشه نیست هر وقت سابق بر این میخواستند یک جایی را مورد مثال قرار بدهند میگفتند حبشه و زنگبار ولی حالا که حبشه و زنگبار حکومتشان قانونی تر از حکومت ماست و آنجا اگر یک وزیر اقرار بزدی کرد مسلماً او را از پشت میز بلند میکنند ولی ما نمیتوانیم در هر حال، حالا ما میگوییم حبشه و زنگبار با فرض اینکه آنجا اصلاً حکومت قانونی ندارند و حکومت استبدادی دارند و هر کس را هم حق دارند با جوب و چاق سرش را بگویند (بکنفر از نمایندگان - قریباً سفیرشان بایران می آید) آمده است آقای (نورالدین امامی - چشم ما روشن) چشم آقای خلیلی رفیق مطبوعاتی ما روشن چون رفیق ایشان هستند در دوره گذشته عرض کردم که ما یک قانونی داریم باسم قانون کیفرگراف و روحان که عرض کردم با فرض اینکه در مملکت حبشه حکومت قانونی ندارند و قانون نمی دانند چیست در حبشه و زنگبار هم مسلماً یک کسی را در معبر هام نمیخواهند شلاق بزنند (صحیح است) و جریبه نقدی بکنند (احسن) بدوماه سه ماه حبس محکومش بکنند و این حق نداشته باشد بعد از اینکه این حکم را در بازه او خواستند اجرا کنند برود بیک مرحله بعدی، یک مرحله تجدید نظری و یک مرحله استینافی مراجعه بکنند حکم قطعی است یعنی اگر الان یک کاسب جزه را در خیابان خوابانده اند شلاق زدند و با خواستند بخوابانند شلاق بزنند هیچ مرجعی برای او وجود ندارد و این حکم قطعی است یعنی دو نفر در یک اتومبیل نشسته اند میروند آنجا میگویند این آقا را بخوابانید شلاق بزنید و این حکم فوراً بر مرحله اجرا گذاشته میشود در حبشه و زنگبار هم که بفرس اصلاً حکومت قانونی نیست یک همچو رسمی وجود ندارد و این طور با مردم رفتار نمیکنند و این یکی از ظالمانه ترین قوانین است. اگر این قانون را در قرون وسطی اجرا میکردند اشکالی نداشت ولی در قرن بیستم یک چنین قانونی موجب سرافکنندگی ملت ایران در بین مللی است که حکومت قانون و دموکراسی نام گذاری شده اند. یکی دیگر همین قانون مطبوعات است که در آخر دوره پانزدهم با فرس مازور در همین مجلس روی جهات و مقتضیات بخصوصی وضع شده. آیا این قانون ظالمانه نیست؟ آقایان اشاره میکنند که این قانون برخلاف قانون اساسی است بنده این اصل قانون اساسی را که راجع به مطبوعات است قرائت میکنم تا ملاحظه بفرمائید که آن قوانینی که با فرس مازور در آخر دوره پانزدهم در مجلس شورای ملی گذشت آن طور حکومت ترور و وحشت ایجاد کردند و یک کودتا یا شبه کودتایی در ایران کردند تا نتوانستند این قوانین را بکنار

اینها با قانون اساسی هیچ تضادی ندارد و مخالف با روح قانون اساسی ایران نیست؟ اصل بیستم - دهامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبنی آزاد و میزری در آنها ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند ما پارسال که در زندان بودیم مدیر روزنامه صدای وطن و نویسنده اش آقای جواهر کلام را شب گرفتند آوردند بزندان، این جرمش این بود که یک کاریکاتوری کشیده بود یک صحرائی کربلائی از افراد سیاسی معاصر خودش درست کرده بود و آیه الله کاشانی را سوار اسب کرده بود بشکل حضرت حسین بن علی و اقلیت را بشکل عساکر ایشان معرفی کرده بود، یک کاریکاتور اینطوری درست کرده بود این را گرفتند سه سال محکومش کردند بحبس، یک مقاله ای هم راجع بیدیکتاتوری معاویه و یزید نوشته بود (نورالدین امامی - خدا آنها را لعنتشان کند) بجرم اینکه چرا راجع به یزید و معاویه چیز نوشتی او را محکوم کردند. روز پانزدهم عاشورا یک مقاله ای نوشته بود و بیدیکتاتوری یزید و معاویه لعنت فرستاده بود آنوقت محکمه نظامی باو گفته بود که این با اوضاع حاضر تطبیق میکند تو چرا نوشتی؟ بابا یزید و معاویه مردمان روحشان هم آتش گرفته و رفته، این چه چیزش با اوضاع حاضر تطبیق میکند؟ این عمل برخلاف این اصل قانون اساسی بود ۳ سال هم مدیر روزنامه و نویسنده اش را محکوم کردند و هیچکس هم نکفت آقا این بر خلاف قانون اساسی است - یا همان قانون تنگی مطبوعات که واقفاً از ننگهای دوره پانزدهم است و این درموقبع که از مجلس میگذاشت یکی نکفت کی گفته است که یک مدیر روزنامه ۲۰ روز، ۲۵ روز، ۳۰ روز دو ماه حبسش کنند و هر وقت خواستند برونند آنها را به جریان بیندازند؟ یک جوانی بنام کر باسچیان را الان نزدیک ۳۰ روز است گرفته اند حبس کرده اند روی یک تلفن، چون دستگاه قضائی ما خیلی خوب کار میکند واقفاً دادستان تهران نیز قانون را مراعات میکند این را بیست روز سی روز است گرفته اند حبسش کرده اند در صورتیکه قانون ما میگوید ۲۴ ساعته باید تکلیفش را معین بکنند اینست وضع اجرای قوانین در این مملکت. یک قانون دیگر در دوره پانزدهم روی یک جهات و خصوصیات در مجلس به تصویب رسید بنام قانون تشدید مجازات رانندگان و اینهم یکی از قوانین ظالمانه است که در هیچ جای دنیا یک همچو قانونی را وضع نمی کنند و اگر یک قسم خورده ایم باید اصول مشروطیت را حفظ کنیم شهرداری طبق دستورات خارجی که دولت تهدد اجرائش را کرده که یکی از آنها انجمن های ایالتی است شهرها را میخواهند باین ترتیب و باینجا که اصناف فلاپی و ساختگی در دست داشته باشند که هر روز آن تلگراف مصنوعی و ساختگی مثل مجلس مؤسسان فلاپی دوره گذشته لازم شد سر تلگرافات باز شود. اینها را مردم میفهمند و دیگر زیر این بارها

صد تومان من دیدم که اگر یک قدری دیگر صدایم در آید این که تجدید نظر ندارد میگوید باند نمودن ناچار صد تومان را دادم و صدایم در نیامد (غلامرضا فولادوند - اینها سوء تعبیر کرده اند آن قانون را آن حبس روزی پنجقران را تصویب کردند روزی پنجتومان، اینها آمده اند برای یک چیزی که در کنار خیابان گذاشته اند پنجاه تومان جریمه میگیرند، این برای این کار نبوده است) این صحیح ولی حالا که دارند این قانون را اینطور اجرا میکنند و ما که واضح قانون هستیم و ما که قسم خورده ایم بحفظ قانون اساسی و اجرای قوانین در مملکت باید این را عملاً بدولت نشان بدهیم که اگر یک کسی برخلاف قانون دارد عمل میکند باید با حرف منطقی خودمان و با قانون و با مجازات توی دهانش بزنیم که این سوء استفاده از قانون نشود. چند روز پیش یکمده از کسبه میدان امین السلطان آمدند منزل من بشکایت، یکی از اینها ذغال فروش بود میگفت بمن گفتند چرا روپوش سفید نداری؟ آخر کجای دنیا از یک نفر ذغال فروش روپوش سفید میخواهند؟ نجاری که دائماً با چوب کار میکند کی گفته است روپوش سفید بپوشد؟ ولی میروند باین قوانین ظالمانه سوء استفاده میکنند شصت تومان، هفتاد تومان، هشتاد تومان جریمه میکنند. اگر قانون تصفیه ظالمانه است این هم ظالمانه است، این یک بام و دو هوا است که ما بگوییم در این مورد ظالمانه است ولی در سایر موارد بعداً فکری میکنیم. اگر قانون در مملکت بایستی اجرا بشود و اجرا میشد هیچوقت شهرداری تهران نمیتوانست سوء استفاده بکند از سکوت مجلس و بدستور دولت اتحادیه های ساختگی برای مردم درست بکنند. در حکومت دموکراسی مردم آزادند و هر منفی اگر بخواهند نماینده داشته باشند خودشان میروند درست میکنند بشهررداری چه مربوط است که میخواهند دست دست آنها را تحت فشار بگذارند بتوان روپوش سفید از نجار و ذغال فروش و باینها نماینده صنف خودشان را تحصیل بکنند که اگر یک روزی شهرداری یادوات خواست دست بیک اقداماتی برخلاف اصل بزند و برخلاف مصلحت اقدام کند یک اصناف و اتحادیه های فلاپی ساخته باشند که بگوید تمام اصناف و اتحادیه ها تلگراف کرده اند و تقاضا کرده اند که مثلاً رژیم ما باید عوض بشود و از حالا شهرداری دارد زمینه اینکار را میسازد که اصناف فلاپی و اتحادیه های فلاپی درست بکنند که هر روزی خواست بآنها بگوید تلگراف را شروع کنند مجلس سنا و شورای که ما این رژیم را نمیخواهیم و مثلاً میخواهیم رژیم جمهوری باشد یا فلان چیز باشد اینها ساختگی است اینها نشان سوء نیت دولت است و ما که بحفظ قانون اساسی و حکومت ملی و مشروطه قسم خورده ایم باید اصول مشروطیت را حفظ کنیم شهرداری طبق دستورات خارجی که دولت تهدد اجرائش را کرده که یکی از آنها انجمن های ایالتی است شهرها را میخواهند باین ترتیب و باینجا که اصناف فلاپی و ساختگی در دست داشته باشند که هر روز آن تلگراف مصنوعی و ساختگی مثل مجلس مؤسسان فلاپی دوره گذشته لازم شد سر تلگرافات باز شود. اینها را مردم میفهمند و دیگر زیر این بارها

نمیروند و گول اینترقهارا هم نمیخورند و شهرداری هم اگر بخواهد زیاد در اینکار اصرار کند من از وزیر کشور استیضاح خواهم کرد. مردم آزادند و بایستی خودشان اتحادیه خودشان را اداره بکنند. شهرداری بیجا میکند که مردم را وادار میکند اتحادیه فلاپی بسازند (اسلامی - اصلاً وزارت کشور منحل است) شما خیال میکنید اگر وزارت کشور منحل میشد آب از آب تکان میخورد؟ (اسلامی - هیچ چیز نمیشد) این وزارتخانه را هر کدامش را اگر درش را قفل بکنند نه تنها در وضعیت مردم فشار و مضیقهای ایجاد نمیشود بلکه مردم یک نفس راحتی خواهند کشید و از دست مأمورین مالیات بردار آمد و اینهم رشوه ای که میدهند راحت میشوند. در تمام عشقون این مملکت رشوه حکومت میکند. هر کس رشوه داد کارش پیشرفت میکند و هر کس رشوه نداد بیکلی از هستی ساقط خواهد شد. این وضع مملکت است پس باینرا اگر یک قفل بدتر تمام این وزارتخانه ها بزیند آب از آب تکان نخواهد خورد مردم هم یک آسایش و راحتی پیدا خواهند کرد و مجلس شورای ملی و قفل کنندگان در وزارتخانه ها دعا خواهند کرد (آشتیانی زاده - مزد خون مدرس را میگیرد) بقول شما مزد خون مدرس را میگیرد یک کارهایی شده که جانی ترین اشخاص را که عرض میکنم اگر یک روزی یک محکمه ای رای بدهد که این شخص را اعدامش بکنند فقط بجرم قتل یک نفر بی گناه که در واقعه شوم صحن حضرت رضا و مسجد گوهر شاد اتفاق افتاده محکوم میشود و خون دوزار نفر از بن رفته و اینکه چنین تبعیض هائی در این قانون شده و در بند های دیگر هم اشخاص بی گناه را بدون ورود وارد این بند ها کرده اند اینها هست ولی نسبت بصدی هشتاد و پنج دیگرش ما نمیتوانیم راهی باز کنیم و به آنها راهی نشان بدهیم بنده در چند مورد اسمی اشخاص را هم بردم و هر کس گفت که این اشخاص مردم خوبی هستند از حرف خود پر میگردم یکی آقای مصباح فاطمی است که پادشاهی تخت و تاج خوزستان بوده آبا این شخص که به بنده افتاده آدم خوبی بوده این شخص چهارده پانزده سال پادشاهی بی تخت و تاج خوزستان بود، این فرمانبردار شرکت نفت بوده، خوزستان را باین فلاکت انداخته هر چه شرکت گفته کرده، میلیونها تومان دزدیده و امروز بیست افتاده حالا شما امروز میخواهید این را با یک قانون کسان کم بکن نجاش بدیدید و فردا وزیر بشود و قطعاً وزیر دادگستری خواهد شد. یکی دیگر آقای بدر است که بنده اورا هم اسم بردم که این موقعیکه در مشهد بوده البته تکذیب هم کرده ولی این را قالب روحانیون مشهد و مردم مشهد برای خود من گفته اند، برای اینکه ایشان یک مهمانی بکنند و پسرشان را برؤسای ادارات و غیره معرفی بکنند وقتی آقای دکتر بدر آنجا میرود قریب هفتصد هشتصد تومان خرچ مشروبات الکلی میشود و چون آستانه مجلسی برای مشروبات الکلی ندارد آنوقت سند هشتصد تومان شمع برای آستانه صادر میکنند مگر آستانه سالی چقدر شمع مصرف میکنند؟ آنجا که هر سال مقداری شمع می فروشند بآآن پرونده نوقان و پرونده های دیگری که در همین مجلس دوره چهاردهم اعلام جرم شد شمایین را دارید از بند خلاصش میکنید و میگویید غیر عادلانه است که یک قانون غیر عادتی بیاید و این اشخاص را محکوم بکنند در صورتیکه کاری نکرده نکرده نکرده اند که اموالشان مصادره بشود و بصرف خیریه برسد یا زینده باشند. یاد ایران نباشد یا تبعیضشان بکنند هر کدام نیست گفته اند آقای مصباح فاطمی یا آقای بدر در خانه اش باشد و هر چه اندوخته دارد بخورد و کسی هم باو کاری ندارد فقط توی دستگاه دولت نباشد

بگذارید تمام اینها را که به بند افتاده اند خلاص میشوند و معلوم میشود که امروز آنها بدستگاه قضائی و دادگستری خیلی اعتماد داشتند چون امروز یکمده در کمیسیون گفته اند که اگر تجدید نظر بکنیم اینها تمامشان خلاص میشوند. ما تصدیق میکنیم که یکمده است از آنها که باین بنده وارد شده اند اینها بی گناهند (صحیح است) در تمام قوانین وقتی که میخواهند اجرا بکنند مسلماً یک تبعیض هائی میشود و حق و عدالت کاملاً در مورد اشخاص بوقع اجرا گذاشته نمیشود در اینجا هم گذاشته نشده و تقریباً بصدی ده یا صدی یازده آنها ظلم شده است، یکمده ای که نباید جزء بند الف باشد و از نایب ترین اشخاص این مملکت هستند مثل آن یا کروان یا نجس روان اینها در بند الف آمده اند و حالاً هم این آقا سفیر شده (آشتیانی زاده - مزد خون مدرس را میگیرد) بقول شما مزد خون مدرس را میگیرد یک کارهایی شده که جانی ترین اشخاص را که عرض میکنم اگر یک روزی یک محکمه ای رای بدهد که این شخص را اعدامش بکنند فقط بجرم قتل یک نفر بی گناه که در واقعه شوم صحن حضرت رضا و مسجد گوهر شاد اتفاق افتاده محکوم میشود و خون دوزار نفر از بن رفته و اینکه چنین تبعیض هائی در این قانون شده و در بند های دیگر هم اشخاص بی گناه را بدون ورود وارد این بند ها کرده اند اینها هست ولی نسبت بصدی هشتاد و پنج دیگرش ما نمیتوانیم راهی باز کنیم و به آنها راهی نشان بدهیم بنده در چند مورد اسمی اشخاص را هم بردم و هر کس گفت که این اشخاص مردم خوبی هستند از حرف خود پر میگردم یکی آقای مصباح فاطمی است که پادشاهی تخت و تاج خوزستان بوده آبا این شخص که به بنده افتاده آدم خوبی بوده این شخص چهارده پانزده سال پادشاهی بی تخت و تاج خوزستان بود، این فرمانبردار شرکت نفت بوده، خوزستان را باین فلاکت انداخته هر چه شرکت گفته کرده، میلیونها تومان دزدیده و امروز بیست افتاده حالا شما امروز میخواهید این را با یک قانون کسان کم بکن نجاش بدیدید و فردا وزیر بشود و قطعاً وزیر دادگستری خواهد شد. یکی دیگر آقای بدر است که بنده اورا هم اسم بردم که این موقعیکه در مشهد بوده البته تکذیب هم کرده ولی این را قالب روحانیون مشهد و مردم مشهد برای خود من گفته اند، برای اینکه ایشان یک مهمانی بکنند و پسرشان را برؤسای ادارات و غیره معرفی بکنند وقتی آقای دکتر بدر آنجا میرود قریب هفتصد هشتصد تومان خرچ مشروبات الکلی میشود و چون آستانه مجلسی برای مشروبات الکلی ندارد آنوقت سند هشتصد تومان شمع برای آستانه صادر میکنند مگر آستانه سالی چقدر شمع مصرف میکنند؟ آنجا که هر سال مقداری شمع می فروشند بآآن پرونده نوقان و پرونده های دیگری که در همین مجلس دوره چهاردهم اعلام جرم شد شمایین را دارید از بند خلاصش میکنید و میگویید غیر عادلانه است که یک قانون غیر عادتی بیاید و این اشخاص را محکوم بکنند در صورتیکه کاری نکرده نکرده نکرده اند که اموالشان مصادره بشود و بصرف خیریه برسد یا زینده باشند. یاد ایران نباشد یا تبعیضشان بکنند هر کدام نیست گفته اند آقای مصباح فاطمی یا آقای بدر در خانه اش باشد و هر چه اندوخته دارد بخورد و کسی هم باو کاری ندارد فقط توی دستگاه دولت نباشد

و دیگر خدمت دولتی باو مراجعه نمیکنند. باز جای خوشوقتی است که لایحه دولت اینقدر شدید نبود. لایحه دولت که آمد بکمیسیون قلب ماهیت داد. لایحه دولت این بود که یک حق تجدید نظری برای افراد بیگناهی که در این بنده افتاده بودند قائل شده بود که اگر آنها نسبت بحکم صادره یعنی تصدیقات هیئت تصفیه مترض هستند بروند تجدید نظر بدهند این گزارشی که از کمیسیون برگشته خیلی مسخره است. این نوشته است بکلی کان لم یکن (اسلامی - لایحه دولت هم بکلی گفته بود منتهی یک قدری بواشتر) پس کاش همین حرف را میگذاشتیم دولت میگفت و مجلس را آلوده نمیکردیم ما که این حرف را زده ایم اینرا از دهان خود دولت تصدیق گرفته بودیم. مادر خارج بر علیه مجلس شورای ملی داریم تبلیغ می- کنیم باین نحوه عمل و این گزارش که آمده باین کیفیت و این اگر تصویب بشود هیچ بصلحت مملکت نیست و زینده هم نیست و همه خواهند گفت که چون یکمده ای از متفقدین در این بنده افتادند و یکمده است از نمایندگان مجلس در بنده بودند آمدند این قانون را باین عجله و باین شتاب کان لم یکن کردند در صورتیکه من خودم تصدیق میکنم که در مورد نمایندگان بعضیهاشان را بنده خوب میشناسم که واقفاً اینها اصلاً مورد نداشته است که جرم بندها قرارشان بدهند و مادام که اینها نماینده هستند هیچ از احترامشان کاسته است و نه کسی میتواند بآنها چیزی بگوید برای اینکه نماینده از روزیکه اعتبارنامه اش تصویب مجلس برسد تا روزیکه مجلس باز است نماینده مجلس خواهد بود حالا اگر بگردد خواست وارد خدمت دولت بشود آن امریست علیحد که دولت آنروز باید ببیند که این بردش میخورد قبول کند و اگر نمی خورد نکند ولی این حرف مدتها خواهد بود که میگویند نمایندگان چون خودشان در این بنده بودند آمدند این را کان لم یکن کردند و آنوقت ملت ایران تمام طبقه ضعیف و تنجیز و ستم دیده ایران و آتهائی که زیر زنجیر هائی هستند مثل همان نجار و همان ذغال فروش اینرا مجلس نشسته و با کمال خون سردی دارد نگاه می کند و شما ببینید که همان نجار یا ذغال فروش یا آن روزنامه نویس که هادی افکار جامعه است و ما معتقدیم که رکن چهارم مشروطیت است، با او چه نوع معامله میکنند؟ اینهاست که حق میدهند به جرایم که شدیداً بپس آنک بکنند آن ذغال فروش حق دارد که مجلس را کعبه آمال خودش نداند، میگوید آقا این چه کبه ای است که نسبت بمن ذغال فروش که این رفتار میشود مجلس ساکت است ولی نسبت بیک از آقایان که در مجلس هستند وقتی میگویند که خدمت دولت نکند آنوقت این عام شنگ را بیا میکنند که امثال مصباح فاطمی یا بدر یا امثال آنها بیکه در بند هستند و خودتان هم میشناسید اینها را بیایند آزاد بکنند که باز بروند بآن ذغال فروش یا آن همیزم فروش یا آن نجار تمدی بکنند. از همه اینها گذشته یک کاریکه کمیسیون دادگستری کرده من میترسم که این عده ای که حقاً جزء این بند ها قرار گرفته اند مثل آقای مصباح فاطمی یا همان بدر اینها فردا بیایند از مجلس شورای ملی تقاضای خسارت هم بکنند، فردا بیایند بگویند که ما یک چیزی هم طلبکار هستیم تازه یک چیزی هم طلبکار میشوند زیرا در همین گزارش بهیشت

تصفیه تا آنجا که توانسته اند توهین کرده اند ، توهین بهشت تصفیه یعنی چه ؟ یعنی تقویت و احترام امثال پدر و امثال مصباح فاطمی یا نظیر اینها ، شما پدر و مادر اینها را پشت تربیون گرفتید ، نسبت غرض دادید. همه جور نسبتی باین بدبختها دادید ، خوب یعنی جناب آقای مصباح فاطمی یا شاه بی تخت و تاج خوزستان را نمیتوان گفت که بالای چشمشان ابروست و مقدس ترین افراد این مملکت هستند و بمقام ایشان توهین شده و باید يك قانونی از مجلس بگذرد که ایشان را برای مدت چندسال بفرستند بارویانانیدام یکی از رسته های عالی مملکت را باو بدهند . این منبش اینست . از این گذشته ، شما روح ابتکار و رشادت را در این مملکت دارید از بین می برید و از این مملکت دور می کنید . يك هیئت آمده اند مطابق تشخیص خودشان بکده های را مضمول بندها کرده اند اگر تشخیص آنها صحیح نبود که گفتیم برای شان تجدید نظر قائل بشوند و اگر صحیح بوده که خوب بوظیفه خودشان عمل کرده اند . شما آمده اید اینجا هم بعنوان نطق قبل از دستور وهم در ضمن شور اول لایحه هر چه خواستید با آنها توهین کردید . اگر یکروری واقعا مملکت ما خواست رو با انقلاب نرود و خواست با تحول مملکت را نجات بدهد و خواست يك هیئت تصفیه انتخاب بکنند که افراد ناصالح و ناپاک را از دستگاهها بیرون کند کیست که دیگر جرات کند و بگوید که آقای مصباح فاطمی و یا آقای پدر یا امثال آنها بدی هستند هیچکس جرات نمیکند یعنی شما روح ابتکار و شهامت و قضاوت را در این مملکت برای همیشه از بین بردید زیرا شما آفتاب را با آنها توهین کردید کدیگر هیچکس حاضر نمیشود این اندازه در معرض توهین قرار بگیرد بنده خواستم این قسمتهائی را که لازم بود باطلاع مجلس شورای ملی برسانم و عرض میکنم این قانون باین کیفیت من تصور نمیکند تصویب بشود زیرا بیکدمه از نمایندگان شریف از مجلس میروند بیرون چون ما تقاضای رأی با ورقه کرده ایم و اینها وجدانشان آرام نیست که باورقه رأی بدینند و رأی نخواهند داد جلسه را از اکثریت میاندازند . شما اگر میخواهید این قانون را که میکوبید ظالمانه است از بین ببرید قوانین ظالمانه دیگری را هم که نظیر این قانون یا بدتر از این قانون یا بیشتر از این قانون روح جامعه را دارد در زیر منگنه و فشار میکندار آنها را هم ضمیمه کنید و بگوئید اینها هم ظالمانه بوده اند . اصولا ما بگوئیم مصوبات کمیسیون دادگستری در آخر دوره یا نازدهم چون با فرس مازور بود کان لم یکن است آنوقت آن ذغال فروش هم میدانند که اگر تصفیه کان لم یکن شد مال او هم کان لم یکن شده است و آن روزنامه نویس هم میدانند که اگر کان لم یکن شده آن قوانین ظالمانه ای که مانند گیوتین بالای سر نویسندگان این مملکت هست آنها هم کان لم یکن شده است و اگر شما يك قانون استثنائی بخواهید بگذرانید این قانون استثنائی نه صلاح مملکت است و نه تصویب میکنم که بدون غوغا و جنجال در مجلس تصویب بشود ، کشمکش پیدا میکند ، يك حکایتی بنده از کلیه و رفته یاد آمد این را عرض میکنم و نتیجه میگیرم و بهر ابطم خانه

میدم ، در کلیه و رفته يك حکایتی هست که يك دهقانی یا کشاورزی از ده شهر می آید . در حین عبور چشمش بيك كندوی صلی افتاد که در يك چاهی بود و بدون اینکه توجهی کند در زیر پایش چیست نزدیک بکندهی مسل شد و شروع کرد بعمل خوردن يك انمی خطرناکی هم باو نزدیک میشد او وقتی که مشغول خوردن مسل بود انمی هم حساب خودش را با او تصفیه نکرد و يك نیش مسمومی باو زد و برای همیشه از آن بالا انداختش یائین حالا مجلس شورای ملی و آقایانی که تصور میکنند با گذشتن این قانون کار اینها درست میشود ، این قانون حکم عمل را دارد خطرات آنی اش را متوجه نیستند ، عواقب بعدیش را متوجه نیستند ، بنده عرض میکنم که این يك عملی است آنآولی انمی هم پشت سرش هست ، اول این قانون از این که تصویب بشود مجلس سنا دارد و توی سنا هم تصویب میشود مسلماً در سنا هم موافق و مخالف خواهد بود ولی اگر شما آمدید يك اصولی را ، يك اصلی را معتقد شدید و آن اصل هم این بود که چون اواخر دوره یا نازدهم حکومت ترور و وحشت بود تمام افراد آزادیخواه را گرفتند و روزنامه ها را بستند و چنین کردند و چنان کردند و مجلس را مهربان کردند و آمدند آن قوانین را تصویب کردند بنابراین قوانینی که در اواخر دوره از کمیسیون دادگستری گذشته کان لم یکن است و همه دنیا هم میتوان تصور بکنند که صحیح است ، برای اینکه وضع مملکت غیر هادی بوده و قوانین ظالمانه اش را هم کان لم یکن کرده اند ولی وقتی که بگویند این یکی ظالمانه بوده است آقایان سنا و رها هم غالبان شخصیت های بزرگ این مملکت هستند و اینطور نیست که هر چه ما این جابکنیم آنها هم تصویب کنند (آشتیانی زاده) البته همه شان اینطور نیستند) حالا بنده البته بهمه شان کاری ندارم ولی بالاخره سنا تور شده اند و زیر بودند و کيل بودند نضت وزیر بوده اند سفیر کبیر بوده اند ، غالبان هم شخصیت های معمری هستند بنده به بعضیهایشان هم کمال احترام دارم مثل بنده جناب آقای کاظمی را ، باین نطق اخیری که در سنا کردند بنده البته آشنابرو حبه شان نبودم ولی اولین مرتبه که آمد بمجلس سناری و وطنپرستی يك نطقی که لازمه یکنفر ایرانی و لازمه يك سناتور درجه اول بود ایراد کرد و يك دسته از افراد این مملکت را بغرورش معتقد کرد ، در سنا از این قبیل افراد هم هستند شما خیال میکنید بدون کشمکش می گذرد و می رود اینها مگر ممکن است بگذارند معال و منتع است بگذارند ما این قانون را اینجا بنظر تصویب کنیم این کار کشمکش پیدا میکند (آشتیانی زاده) — آقای مکی ولی آقای کاظمی در آن وقتی که نفت را تصدیق کردند معاون آقای تقی زاده بودند) بنده عرض کردم که بناب آقایان سنا و رها ارادت دارم

سادگی از مجلس نیکو دو چون باین آقایان ارادت دارم قبل از اینکه این طرح برود در مجلس با آنها این مرض را کردم و از آقای کشاورز صدر هم خیلی متشکرم که ایشان هم آمده بودند بعنوان مخالف (کشاورز صدر — مخالف مشروط) اسم نوشته بودند برای این که حق اقلیت را از بین ببرند ولی وقتیکه ایشان تذکر دادند ایشان هم اجازه دادند که ما مطالبان را عرض کنیم و توجه آقایان نمایندگان محترم مجلس را هم باین موضوع جلب میکنم که در مجلس مایک کار اصولی باید بکنیم و اگر بخواهید برخلاف اصول عملی بکنید شما مجلس سنا هم دارید و بهلاوه این قانون هم با کیفیتی که در مجلس من میبینم آن هم شما می بینید که عده ای ندارند که این قانون را تصویب برسانند عده ای خواهند رفت بیرون وزیر بار این لایحه نخواهند رفت و بنابراین يك تجدید نظری در این گزارش کمیسیون میکنم من میخواستم استدعا بکنم که این بر گردد بکمیسیون و دو مرتبه مطالعه شود

رئیس — آقای نورالدین امامی — برخلاف اصل امروز جناب آقای مکی خیلی ملایم بود تمیذام آفتاب از کجا در آمده بود ؟ از غرب در آمده بود که اینطور ملایم بودند ؟ بر حال من از بیانات امروز آقای مکی انشاء الله امیدوار شدم که ما بتوانیم با این رفقای اقلیتان در دوره شانزدهم دست بدست بدهیم و يك کارهای مهمی برای مملکت انشاء الله انجام بدهیم . (انشاء الله) آقای مکی ضمن فرمایشاتشان راجع بعضی از قوانین که در دوره های گذشته و دوره چهاردهم یا قبل از آن گذشته من جمله این موضوع قانون شلاق زدن را فرمودند ، من تصور میکنم بکمر تبه هم در پشت تربیون راجع باین قانون شدیداً اعتراض کردم و تصور میکنم در هیچ کجای دنیا اساساً يك همچو قانونی بخیله کسی خطور نکرده باشد که وضع بکنند ، چه برسد که وضع کرده باشد که در ملاء عام يك کسیکه مطابق قانون از حقوق مدنی محروم نیست مثل بنده و همان مقننی که این قانون را گذرانیده و حق دارد از تمام مزایای کشوری استفاده بکنند برای يك خلاف کوچک یا دو قران زیاد فروختن يك جنسی بیاورند او را در خیابان بخواهاند و شلاق بزنند این نه در افریقا ، نه در حبشه ، نه در زنگبار ، در هیچ کجای دنیا معمول نیست و اگر جناب آقای دکتر مصدق فراموش فرموده باشند خدا سلامت بدارد آقای شفیق کبیر ایران که آنان در مصر تشریف دارند ایشان در دوره چهاردهم بکروز يك ساعت با دو ساعت در اطراف مضار این قانون بنده فراموش نکردم و حالا در نظر آمد که صحبت کردند (صحیح است) و انشاء الله باید توجه بشود هر روزی بشود این قانون را لغو کنیم و يك قانون آبرومندی بجای آن گذاشته شود و هیچکس نه نمایندگان اقلیت و نه نمایندگان اکثریت مخالف با لغو آن قانون نیستند (دکتر طبیب — حالا اجرا نمیکند) چرا اجرا میکنند هر کجا اجاب بکنند اجرا میکنند مثلاً راجع بقانون گرفتار و فرودان فرمودند چند روز قبل از این در خیابان امیریه دکاندار های اطراف منزل بنده بنده مراجعه کردند که شهرداری

با فشار آورده که رویوش سفید بیوشید آقای شهردار بدبختانه در طهران نبودند بنده خود رفتم در اداره شهرداری و بمعاون ایشان گفتیم آقا یاین بقالی که شما پیشنهاد میکنید رویوش سفید بیوشد و مطمئناً امشب نان ندارد پول ندارد که نان بفرد امشب بچه های خودش را نگهداری کند شمارویوش سفید کسی را وادار کنید بیوشد که اصلا بیوش داشته باشد که برای رویوش خود يك رویوش سفید تهیه کند و بیوشد آقا تمام این بقال و عطاری که در بازار هستند و تجاری که در بازار هستند والله با میلی صورتشانرا سرخ میکنند چیزی نیست بکلی پوک شده اند و هیچ چیز ندارند هیچکس چیزی ندارد بقالی که صبح تا شام نشسته است همان کسبه خیابان اسلامبول را نگاه کنید که از صبح تا غروب همه نشسته اند و مگس میرانند اصلا مشتری نیست این بدبخت دیگر از کجا بیاورد در خیابان عین الدوله سر کوچه روحی بکنده از آنها گرفته بودند آنها بن مراجعه کردند راجع به همین رویوش سفید و فشاری که شهرداری با آنها وارد می آورد منظورم از این عرایض این است که آقایان باید توجه داشته باشند که ما هم بشیریم ما هم احساسات داریم همین که ما لباس اکثریت را پوشیده ایم که دیگر تمام احساساتمان را زیر پا جان نگذاشته ایم و خیلی هم بهتر و مرتب تر از آقایان فکر میکنیم و مراجعین ما هم کمتر نیست و ما هم میل داریم به آقایان کمک کنیم که اگر يك قانون ظالمانه ای در ادوار گذشته تصویب شده تمام آقایان حاضرند بنشینیم برای این کار فکری بکنیم اکثریت بودن دلیل نیست که اگر يك قانون خلافی گذشته باشد در ادوار سابق ما بنشینیم و تماشا کنیم و حاضر بشویم بیکتفر ظلم بشود راجع باین قانون هیئت تصفیه تصور میکنم که در دوره یا نازدهم جناب آقای هامری فراموش نفرموده باشند بنده در دوره یا نازدهم عضو کمیسیون دادگستری نبودم بر حسب پیشنهاد جناب آقای دکتر متین دفتری مجلس شورای ملی تصویب کرد که شش نفر از هر شعبه ای يك نفر انتخاب شوند و در کمیسیون دادگستری شرکت بکنند یکی از آن شش نفر خود جناب آقای دکتر متین دفتری بود یکی هم بنده بود و بشهادت صورت مجلس بنده از مخالفین شدید این قانون با این شکل بود و بنده پیشنهاد تجدید نظری را آنجا کردم و حتی فراموش نمیکند بکروز بنده در کمیسیون حاضر نشدم برای اینکه مخالف این ماده بودم آقای دکتر سجادی وزیر وقت از مجلس بنده تلفن کردند و فرمودند شما بیا پیشنهاد شما را ترتیب از میدهیم و بنده آمدم آقای کشاورز صدر که تشریف دارند میدانند چون به پیشنهاد من ترتیب ندادند نشد از کمیسیون فخر کردم و رفتم . حالا بنشینم آن قانونی که با آن تشریفات گذشت مطابق النمل بالعدل اجرا کردند (چند نفر از نمایندگان — خیر) اشکال اینجا است (آقای مکی هم که تشریف ندارند) که ما میگوئیم آن قانون ظالمانه و کثیف را هم منظوریکه قانون بوده اجرا کرده اند و برخلاف قانون عمل کرده اند اعتراض و اشکال اینجا است آمدند در اجرای قانون نظرای شخصی را اعمال کردند يك عده ای را آقای مکی اسم بردند يك عده را هم بنده اینجا اسم میبرم که بشهادت آقایان

بنشینم این آقایان باید در این قسمت هائی که معین شده اند باشند آقای ملک الشمرای بهار بدبخت که هشتاد سال است زحمت کشیده است در این مملکت و خوشبختانه یا بدبختانه ایشان و شمشینشان هم طوری است که احترام ملک الشمرای بهار پانصد سال دیگر هم پایرجا خواهد بود و صد برابر امروز خواهد بود این قضاوتها غایبه است ؟ ملک الشمرای بهار که در خانه اش است و پایش را بیرون نمیکندار حالا بنده کاری ندارم که با روش سیاسی ایشان موافق یا مخالف ولی شخصیت ایشان را نمیتوانم کتمان کنم این نظری که داده اند برای ملک الشمرای شایسته است ؟ دکتر مهران که از بیچگی در فرهنگ بزرگ شده دکتر مهران که موی سرش را در فرهنگ سفید کرده این شایسته است ؟ آقای دکتر کاویانی همین آقای کشاورز صدر در صورت است کشاورز صدر عیش فقط این است که رفیق قدیمی بنده است والا از کشاورز صدر تصور نمیکند کسی هبیب بگیرد آن آقای خزیه علم (بعضی از نمایندگان — امیر اسدالله علم) خزیه هم هست هر دو هستند آقای علم يك روزی که ایشان را آورده بودند وزیر کشاورزی کرده بودند بنده آقای نخست وزیر گفتم ایشان را بیخود آوردید این بدبخت داشت در بلوچستان زحمت میکشید و آنجا را آباد میکرد چرا آوردید وزیرش کردید آنوقت او را گذاشتند توی بند ب آخر برای این است که میکوبم وقتی بيك نفر هم در نتیجه این قانون ظلم شده باشد اگر بخواهیم حکومت مشروطه باشد و قانون حکومت کند باید این قانون را پاره کرد و گذاشت کنار (دکتر بقائی — آقا به هزار نفر افسر و طبقه ظلم میشود چرا آنجا نمیکوبید اگر پاره کن هستید آن را هم پاره کنید) جناب آقای دکتر بقائی فرمایش آقا صحیح قربان اجازه بدهید اگر بخواهید پاره کنید باید یکی یکی قوانین ظالمانه را بگذارید زیرا پاره کنید تا پاره بشود اگر صد تا صد تا بگذارید پاره نمیشود اگر میخواهید پاره شود باید یکی یکی دست بدست بدهیم قدم قدم پله پله جلو برویم و باهم دیگر کمک بکنیم و مساعدت بکنیم (مکی — قانون حکومت نظامی را توانستید کاری بکنید ؟ قانون مطبوعات را توانستید کاری بکنیم ؟ نتوانستیم) جناب مکی بدبختانه من چند روز است مریضم و سرما خورده ام آقا هم که در مسلسل صحبت کردن يد طولانی دارید به آن مسلسلی من نمیتوانم جواب شما را بدهم (مکی — حالا آقای وزیر جنک می گویند من مسلسل دارم) انشاء الله از آن مسلسلها هم خدا نصیبتان کند آقای مکی بنده مطبوعات را یکی از ارکان مهم مشروطیت می دانم (صحیح است) مطبوعات اگر در مملکت نباشد مملکت زبان ندارد (صحیح است) بدترین افرادی که روزنامه می نویسند در این مملکت باز خدمت بمملکت می کنند آن بدبختان بدبختان مثل دکتر بقائی هم که بنویسند عیب ندارد و خدمت بمملکت می کنند فهمیدی دکتر بقائی از توبت تر پیدا نکردم مطبوعات را باید هدایت داد برای اینکه زبان مملکت است بنده هم اگر فحش بدهم مهم نیست بدهم مردم باید چشم و گوششان باز باشد و غیر از روزنامه هم کسی چشم و گوش مردم را نمی تواند باز کند (صحیح است) انشاء الله اگر دوره شانزدهم هیچ کار هم نکنند ولی يك قدم برای

بسط مطبوعات بردارد این دوره شانزدهم را همیشه با آب طلا بنویسند همیشه اسمش در تاریخ مشروطیت باقی می ماند و باقیای قول می دهم که نمایندگان اکثریت در نظر دارند این کار را بکنند اگر دولت لایحه نیاورد ولی دولت بزودی يك لایحه ای برای اینکار خواهد آورد و اگر نیاورند بنده هم مثل آقا شده ام مخالف خواهم کرد خاطر اتان جمع باشد اما قانون تشدید مجازات را ندادند که عرض کنم يك روزی در دوره یا نازدهم آقای مکی اگر نظرتان باشد بوجه مطرح بود جناب آقای دکتر متین دفتری راجع به مطابع و مطبوعات دولتی صحبت میکردند که اینها را بین تمام مطابع تقسیم کنیم بنده اینجا مخالفت کردم و آمدم پشت تربیون و يك شوخی با ایشان کردم گفتم که دوره یا نازدهم دارد تمام میشود و از حالا شافکر موکلین افتاده اید و میخواهید موکل اضافه کنید این قانون تشدید مجازات را ندادند که رامن باتمام بیانات آقا موافق بودم ولی در این جا موافق نیستم آقا به بنده این را ندادند که چه می کنند باید برای آن ها يك مجازاتی قائل شد خود جناب عالی هم پشت رل می نشینید (دکتر بقائی — خیلی هم تند می رانند) برای هر راننده ای باید مجازاتی قائل شد این که وضع نیست بنشیند در روز چقدر این ها مردم را برکشد اتوبوس توی پیاده روی توی مغازه میرود این اگر سرعت نداشته باشد اینطور نمیشود باید جلوی اینها را گرفت باید در مملکت قانون صحیح گذرانند و نظارت نمود که قانون صحیح اجرا شود والا فایده ندارد . عرض کنم که خود آقا ضمن بیاناتتان تصدیق فرمودید که در این قانون بیست عده ای از اشخاص صحیح ظلم شده بنده هم در يك جمله عرض میکنم بيك عده اشخاص ظلم شده چند روز قبل اگر بیانات آقای دکتر شفق را در این جماعلاحظه فرموده باشید یا در روزنامه ملاحظه فرموده باشید (مکی — من بیانات ایشان را نمیخوانم) انسان باید مطالب مخالف و موافق را بخواند هر کس باشد چه مخالفش باشد چه موافقش چه مسلمان باشد چه غیر مسلمان و استفاده کند ایشان يك جمله آن جا فرمودند ممکن است بنده هم بایک قسمت از بیانات ایشان موافق نباشم ولی يك قسمت ایشان فرمودند از سوم شهریور باینطرف من چندین سفر با آذربایجان رفتم ولی این سفر خوشبختانه وقتی رفتم خوشبختانه يك مختصر آذربایجانها را خندان دیدم آقای مکی توجه کنید باین عرض من میدانید چرا آقای دکتر شفق يك مختصر آذربایجانها را خندان دیده اند برای زحماتی است که بشهادت چهار میلیون آذربایجانی سیهبند شاهبختی در آذربایجان کشید یعنی با فشار سر نبره چندین هزار تن غله را گرفت و رفت دردشت مغان نشست و گندم کاشت و بنام دهات دانه دانه رفت و سر کشی کرد و گندم کاشت و بعد از چندین سال آذربایجانی کمی خندید آبا در ازای این خدمت باید او را گذاشت جزء بند ج ؟ (مکی — سمیرم را میفرمائید) سمیرم ؟ همان کسی که بخاطر سمیرم تعاف داد سیهبند شاهبختی بود بر رویه تلگرافش را بخوانید در دربار شاهنشاهی و قردرانی اعلی حضرت همایون شاهنشاهی را از ایشان بخوانید قضاوت باید عادلانه باشد و قردرانی بشود برای قضیه سمیرم ایشان گزاره

گیری کرد و استعفا داد يك اوراقی را الان این جا یکی از آقایان پینده داد آقای مکی میدانید که از هر وزارتخانه ای مطابق قانون ۴ نفر انتخاب میشدند و بسوابق اشخاص رسیدگی میکردند و پرونده را خلاصه میکردند و امضاء میکردند میباید به هیئت تصفیه این (اشاره بورقه ای که در دست داشتند) مال يك فرماندار شاهرود است سوابق خدمت این شخص را نوشته اند که چه کاره بوده آقای عبدالعزیز فروغی نامی ۴۷ ساله که ۱۱ سال خدمت دارد تمام شغل هایش را نوشته اند نوشته اند چه کاره بوده چه کاره بوده تمام تقدیریهائی که از شش شده در دو صفحه نوشته اند آنوقت بامضای آقایان دکتر نصر و کاظمی و شایان رسیده و امضاء کرده اند نوشته اند که این پرونده شکایت خلاف ندارد و با اتفاق آراء مشمول بند الف از ماده ۱ میباشد . هیئت تصفیه این را برادر و جزو (ج) گذاشت برای اینکه آقای شاهرودی را در مجلس مؤسسان انتخاب نکرد (مکی) — تمام آن فرماندارانی که آن مجلس مؤسسان قلابی را درست کردند مشمول بند ج هستند) اگر بخواهیم قانون حکومت کند در مملکت باید پاره کنیم این قانون را نباید بگذاریم بیک نفر ظلم شود . آن زن یهودیه را حضرت مولی فرمود که من زنده باشم و خلیفه باشم در اقصی نقاط مملکت بیک زن یهودیه ظلم شود ؟ خیر صلاح نیست ، شایسته نیست ، شایسته مقام نمایندگی نیست آنهم ملت مسلمان ملتی که پیشوای خودش امیرالمومنین مولی علی (ع) را میدانند اینها نه بیک نفرند نه صدونود و نه نفرند ولی اگر بیک نفر ظلم شود يك نفر مظلوم واقع شود باید آن قانون را پاره کرد و نشست يك قانون عادلانه نوشت که بیک نفر ، بیک موجودی ظلم نشود. (احسن)

رئیس — پیشنهادی رسیده است قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی - پیشنهاد میکنم پس از خاتمه مذاکره آقای امامی رای بکفایت مذاکرات گرفته شود. صفائی

مکی — عده برای رای کافی نیست بگذارید مذاکره شود

رئیس — آقای صفائی

صفائی — این لایحه تا آنجائی که بنده میفهمم عموم آقایان معتقد هستند که قانون تصفیه به آن شکلی که تصویب شده قابل اجرا نیست ، حتی خود آقای مکی هم از ضمن بیاناتشان اینطور بدست می آید زیرا راجع به مجازات گرانفروشان ایراد داشتند که چرا مجازات میشوند بدون اینکه حق تجدید نظر داشته باشند . پس يك قانونی که سلب صلاحیت از افرادی میکند . . . (مکی) شما بگوئید حق تجدید نظر بدهند مام حرفی نداریم (حالاً عرض می کنم پس قانونی که سلب صلاحیت از اشخاصی که سابقاً دراز سوابق خدمت در این کشور داشته اند میکند ، حالاً صحیح با ناصح صحیح است . سال سوابق خدمت دارند ، این اشخاص بدون اینکه حق دفاع داشته باشند ، بدون اینکه هیئت تصفیه ملاک و بنیانی برای رسیدگی شان داده باشد محکوم سلب صلاحیت و انفصال از خدمات دولتی می شوند این

صحیح نیست . همانطوری که يك گران فروش را نمیشود شلاق زد بدون این که حق تجدید نظر داشته باشد چطور می شود مام معتقد بشویم که يك عده افراد بدون حق تجدید نظر محکوم بشوند بنا بر این آنچه بنده درك می کنم عموم آقایان معتقد هستند و موافق که آن قانون به آن شکل قابل اجرا نخواهد بود دو نظر در اینجا پیدا شده كه روی این دو نظر ۲۲ مابعت شده است . یکی اینکه مطلقاً حق تجدید نظر داده بشود به آن اشخاصی که مشمول این بندها شده اند و دیگری اینکه چون این قانون عادلانه وضع نشده است و عادلانه اجرا نشده است و خصوصیات که لازمه يك دادگاه است هیئت تصفیه رعایت نکرده اند این قانون کان لم یکن بشود . این دو نظری است که بنده درك می کنم که آقایان عموماً با این قسمت بنا به آن قسمت معتقدند و در این حد اکثر مذاکره و بحث هم شده و بقیه بنده ادامه مذاکرات دیگر جز اتلاف وقت نتیجه ای نخواهد داشت .

مجلس کلاردرد و بکارهای مهمتری باید بپردازد و تکلیف این کار را یا مثبت یا منفی باید تعیین کرد . بنده عرض نمی کنم که آقای مکی نظر مثبت روی اینکار بدهید ، تخیر عقیدتان را بگوئید ، چون بحث شده ، صحبت شده ، مطلب حلای شده و چیز مهمی مانداریم . حالاً باید رای داد یا مثبت ، یا منفی و عده ای از آقایان هم اگر می خواهند بروند و در جلسه شرکت نکنند این بقیه من جین در اظهار رای است . باید کاملاً نشست و بنده معتقدم هیچيك از آقایان از جلسه خارج نمی شوند و با کمال شهامت می نشینند و عقیده خودشان را مثبت یا منفی میدهند و بنده حتی معتقد برای منفی هم نیستم . هیچ دلیل ندارد که در يك امر باین سادگی رای مخفی بدهیم . خبر هر کسی که معتقد بکان لم یکن است می نشیند و کتباً و رسماً رای میدهد و معلوم میشود و هر کسی هم که نیست نمیدهد . پس بنده پیشنهاد اینست که مذاکرات کافی است . باید نشست و رای داد و این معضل را از بین برد و بیش از این در حال بلاتکلیفی نه دولت و نه مجلس و نه هیچ يك را باقی نگذاشت و این را بنده پیشنهاد میکنم که رای بدهند و کار تمام بشود

رئیس — آقای فولادوند بفرمائید چون يك عده از آقایان نمایندگان امروز تازه وارد شده اند این تابلو باید درست بشود ، عده حاضر صد و شش نفر است .

غلامرضا فولادوند — بنده تصدیق داشتم که در اطراف این لایحه دیگر اظهاری نکنم برای اینکه بقدر کافی بنده صحبت کردم ولی موضوعی که بنده را ناچار کرد که شمه ای را بر عرض آقایان برسانم اینست که چندین مرتبه معمول شده است در مجلس اظهار میکنند که قوانین ظالمانه از مجلس گذشته ، بنده اینرا میخوانم عرض کنم — اما التفات کنید تا آخر عرضم - قوانینی که گذشته هیچيك ظالمانه نبوده است ، ظالمانه اجرا میشود (صحیح است) والله ۱۳۶ نماینده که قانون ظالمانه وضع نمی کنند همین موضوعی که جناب آقای دکتر بقائی فرمودند راجع بقانون نظام وظیفه و این هزار نفر جوانیکه بیش از مدت مقرر آنها را نگاه داشته اند ، این قانون ظالمانه نیست ، مقنن تصور کرده است که بیکروزی ممکن است جنگ بشود ، مملکت احتیاج پیدا کند که صد ساله ها ۹۰

سالها ، زنها ، ۸۰ ساله ها را ببرند جنگ و يك سادهم گذاشته است آنجا که اگر يك اوضاع واحوال غیر عادی پیش آید اینها را میتوانست اضافه بر مدت مقرر نگاهدارد ، حالا اگر اینها این سادهم تغییر میکنند ، بی موقع مردم را نگاهدارند و جوانان را ناراضی نگاهدارند و بهمد خودشان وفا نکنند این مربوط بقانون ظالمانه است ؟ ظالمانه اجرا میشود آقا . همین قانون شلاق زدن ، این قانون شلاق زدن را کی تصویب کردند ؟ در دوره چهاردهم ، از دوره سیزدهم به قبل نبوده ، دوره ۱۵ هم نبوده دوره ۱۴ نمایندگان کمال قدرت را داشتند حساب کردند يك عده محکوم يك عده ظالم يك عده که خون مردم را میخوردند اینها به هیچ چیزی پای بند نیستند آمدند يك قانونی را وضع کنند و این اشخاص را مجازات کنند این را چه جور اجرا کردند آمدند هر چه سبزی فروش بود عطار بود بقال بدبخت بود آنها را آوردند شلاق زدند شما کی دیدید که يك تاجر بیکه می آید قند و شکر ایران را مونویل میکند احتکار میکند و سه روزه ملبورن میشود او را بیاورند و شلاق بزنند بد اجرا شده از یکی از رفا شنیدم که يك روزی از در عمارت شهرداری لندن عبور میکردم بکنفر از اتومبیل پیاده میشود و تمام مردم از دو طرف صف میکشند و کلاه بر میدارند و احترام میگذارند ایرانی ما تعجب میکند میرسد این آقا کیست میگویند این امین صلح شهرداری است یعنی برای ۲۰ تومان این آقا حکم میدهد و شنیده ام که يك چك سفیدم باو می دهند که هر چی خواست برای خودش حقوق معین میکند میدانید جناب آقای دکتر مصدق برای این معاکم اول کی را معین کردند اول آقای ماسم رئیس فعلی استیفا آذربایجان را تعیین کردند برای کسی که حکمش استیفا ندارد تمیز ندارد سیدضرب شلاق میزند به دو تاشش ماه حکم حبس غیر قابل ایتباع حکم می دهد این باید خیلی مرد عالیقامی باشد نه اینکه بیایند این را باینصورت در بیاورند آقا این قانون ظالمانه نیست ظالمانه اجرا میشود بمجلس نباید توهین کرد همین قانون تصفیه را که ما وضع کردیم و الله باش من جزء اشخاصی بودم که رای دادم ما خیال میکردیم یکی از آن اشخاصیکه آقای مکی فرمودند بلکه شرشانرا از سر این مردم بکنند چون اینها را دیدیم با عدلیه و دیوان تمیز و هیئت عمومی دیوان کشور هم نمیشود اینها را کنار گذاشت اینرا ما آدمیم وضع کردیم آمدند باینصورت در آوردند و منظم قضات اینرا تغییر دادند يك اشخاص دارای حب و بغض آوردند گذاشتند آنجا باینصورت در آوردند یعنی يك عده اشخاص با کدمن و درست را آوردند جزو يك عده دزد زدند که بهر کس بگوئید بگوئید که مقنن یا مجری بایستی دفاع بکند از اشخاص مظلوم زیرا يك آدم قاتل يك آدم ظالم يك راهزن را وقتیکه دستگاه عدلیه هم مجازات نکند مدعی خصوصی او را مجازات نکند خدا او را مجازات میکند اگر بخواهیم يك مظلوم را بگوئیم جزو ظالمانه از بین برود این بنظر بنده ظالمانه است آقای مکی فرمودند راجع بقانون تشدید مجازات رانندگان البته اینجا اشتباه کردند قانون تشدید مجازات رانندگان قانونی است که تا ۱۰ سال حبس تعیین کرده این قانون راجع به قابل

ایتباع بودن بعضی از حبسها بود سابقاً از ۵ ریال تا ۲ تومان هر روز حبس قابل ایتباع را میشد بپردازند و این لایحه را وزیر سابق دادگستری آقای د کتر سجادی آوردند که آقا آنروز ۵ ریال حد اقل مزد يك عده بود امروز حد اقل مزد يك عده ۴ تومان است پس میگوئیم باز در اینصورت مزد يك روزت را بدهد یا برو حبس پس بیایید قیمت بیکروز حبس را اضافه کنید یعنی اگر يك شوهر آمدتغافل کرد و مرتکب جرمی شد یعنی تصادف کرد پای يك کسی را خرد کرد و بیکلی از کار انداخت مطابق قوانین جزائی ما ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی این به ۸ روز تا ۳۰ روز حبس محکوم میشود ۸ روز یا ۳۰ روز روزی ۵ قران ۱۰ تومان تومان میشود برای يك بایکجه از بین برده ۱۰ تومان میدهد ما آدمیم دیدیم که اینخرف حسابی است ما اینرا روزی ۴ تومان یا چند تومان بالاتصویب کردیم ولی اینها آمدند مثلاً در حبس حمام زرنگاریك پسرمايكه ۳۰ - ۴۰ تومان سرمایه دارد برای جبه آتیه ای که گذاشته شانه و صابون این چیزها مفروشند این را برده اند که چون نو سدمبر کرده ای ۸۰ تومان جریبه اش کرده اند که آقای رئیس هم پولی از جیب خودشان باو دادند و تلفن هم کردند که آقا قانون برای اینها نیست پس ملاحظه میفرمائید قانون بد نیست بد اجرائش میکنند حالا چون وضع بدین منوال است بما ثابت شد که اگر مایا بیاییم یکی از قوانین محمد بن عبدالله (س) را بیاوریم اینجا تنفیذ بکنیم که البته ما چنین حقی را نداریم اینها می آیند بد اجرا میکنند چون يك مشت اشخاص بد آنجا می نشینند و بجان و مال و حیثیت و شرف مردم می افتند ما قانون بد وضع نکردیم مجلس گناهکار نیست بد اجرا میشود همین موضوع فرماندار شاهرود چون موضوع مربوط به بنده بود آقای امامی ناقص فرمودند این آقای فروغی

فرماندار شاهرود يك جوان سی و چند ساله ایست که چندین سست و اشته است همه جا مورد تشویق و وزارت کشور بوده این آقا دو کار خلاف در شاهرود کرده يك رئیس مالیه دزدی در دارائی شاهرود بود که بنده آنروز در حضور آقایان يك قسمت از حمله ام به آقای بهیناراجع بایشان بود بهینا گزارش داده که این پسر مردم را سوزانده یکی از آقایان هیئت تصفیه که اسمش را نمیبیرم برای اینکه نگویند بن منظور توهین برسد است خویش است با آن رئیس دارائی يك گناه دیگری هم کرده که آقای شاهرودی که هشتاد سال پیش اجدادش از شاهرود رفته به فرزین از آنجا خواست و کیل بشود از فرماندار خواسته بن کمک کن نکرده آقای نورالدین امامی آن کاغذ را مرحمت کنید بنده این يك کلام را عرض میکنم و میایم باینجا آقا گزارش وزارت کشور راجع به این آقا قرائت نکردند بنده میخوانم عرض کنم که اینجا را ملاحظه بفرمائید مینویسد که این آقای فروغی ۳۷ ساله میباشد مشاغلش از کفیل دفتر استانداری اصفهان شروع شده تا فرمانداری شاهرود آنوقت يك جاهائی هم هست که تقدیر است که به هیئت تصفیه فرستاده شده این يك صفحه ای است این پرسشنامه است با حضور آقای سلطانی شیخ الاسلامی رقیب این صفحه را دیدیم در دستگاه هیئت تصفیه این تقدیرش است :

- ۱ - استانداری استان دهم مکرر با اظهار تقدیر خدمات تقاضای مساعدت مادی فرموده .
- ۲ - استانداری استان دهم تقاضای دویا به حق مقام برای او نموده .
- ۳ - بهت مراقبت در امر نان مورد تقدیر وزارت کشور شده .
- ۴ - در زمان استانداری دهم آقایان امینی .

آراسته . و ارسته نیز مورد تقدیر آنها واقع شده . بنا بگزارش فرمانداری همدان تقدیر شده . ۶ - در کلبه مأموریت ها خدمات او موجب رضایت بوده و او را کارمندی فعال و سکاردان دانسته اند .

۷ - در موقع تصدی ریاست بازرسی استانداری طهران بنا به پیشنهاد استاندار مورد تقدیر واقع شده

۸ - بهت مساعدت در امور فرهنگی در سال ۲۸ مورد تقدیر واقع شده

۹ - بهت علت مستقیماً از طرف وزارت فرهنگ تقدیر شده نکات دیگری ندارد زیرش مینویسد مشمول تقاضای الف از ماده يك قانون تصفیه است شایان . کاظمی دکتر نصر این را آمده اند مشمول بند ج کرده اند بنده عرض میکنم پس ما قانون ظالمانه وضع نکردیم آقا ظالمانه اجرا میکنند این بود چون که آقایان علاوه بر این قانون در مورد قوانین دیگر صحبت کردند بنده عقیده ام این بود که مذاکرات کافی نیست باید در اطراف آن صحبت بشود و موضوع روشن بشود .

رئیس — باید باین پیشنهاد رای گرفته شود ولی عده کافی برای رای نیست .

کشاورز صدر — اجازه بدهید پس بنده صحبت کنم .

۵ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس — خیر نمیشود چون اعلام رای شده باید رای گرفت آخر وقت هم هست جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روزه شنبه خواهد بود و باید رای گرفت (مجلس پنجشنبه دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی — **رضاحکمت**